

جزوه آموزشی ویژه:
گروه: تربیل



شماره ۱۳۹۵
مؤسسه فرهنگی ایران ایران و بنیاد
اسلام تهران

الرسالة في علم
«التجويد»

سطح عالی

تأليف: استاد معظم
جناب آقای مرتضیٰ مخملباف

تأليف و تنظيم: ز
مؤسسه فرهنگی آموزش قرآن و تجويد
مجلس القرآن

جزوه گروه ترتیل

مقدمه

یکی از سطوح سیستم آموزشی کانون
آموزش قرآن و تجوید، گروه ترتیل
می باشد.

در واقع دانشجو پس از گذراندن دوره-
های مبتدی، مقدماتی و عالی تجوید و
قرآن کریم برای درک عملی آنچه که
تاکنون فراگرفته است و نیز برخورداری از
قدرت تحلیل در قرائت و آشنایی با آنچه
که یک قاری باید درباره کتاب آسمانی
خود بداند به این کلاس وارد می شود.

جزوه حاضر که از جزوات منتشره
مؤسسه فوق می باشد، در سه بخش کلی
در اختیار مدرسین، دانشجویان و دانش
پژوهان قرآنی قرار می گیرد.

در بخش اول، دانشجو با آنچه که به عنوان ظاهر قرآن کریم مطرح می‌باشد در قالب آشنایی با ظواهر قرآن آشنا می‌گردد.

فراگیری این بخش برای دانشجو بسیار حائز اهمیت است؛ چرا که کلیه اطلاعات مهم پیرامون این کتاب بزرگ را به صورت اجمالی و فهرست‌وار در اختیار وی قرار می‌دهد.

در بخش دوم، چگونگی جمع‌آوری قرآن کریم تحت عنوان نحوه کتابت و قرائت قرآن عرضه شده است که در این

بخش دانشجو با چگونگی جمع آوری و نوشتن قرآن کریم و نیز کتابت‌های جدید کنونی و نحوه شکل‌گیری قرائات هفتگانه و پاسخ به سؤالاتی پیرامون مباحث فوق آشنا می‌شود اهمیت و جذابیت این بخش از آنجاست که تاکنون در هیچ کتابی اینگونه شفاف و صریح راجع به قرائات و اختلافات آنها صحبت نشده است.

در بخش سوم، ابتدا دانشجو با زندگی پرفراز و نشیب قاریان معروف جهان آشنا می‌شود و در می‌یابد که آنان اگرچه دارای

صدایی موهبتی بوده‌اند، لکن مشقّات و زحمات زیادی را نیز در این راه متحمّل شده‌اند؛ فلذا می‌توانند از جهاتی الگوی خوبی برای همه قاریان و مدرّسین قرآن کریم باشند.

در پایان این بخش، موضوعاتی از قبیل طبقه بندی سبک‌ها و معرفی قرائت‌ها و ترتیل‌هایی که می‌توانند الگوی خوبی برای تعلیم مخارج حروف باشند و نیز موضوعات دیگر همگی به صورت اجمالی بیان شده‌اند که مدرّس محترم باید با

تحقیق بیشتر تفصیلاً آنها را برای
دانشجویان بیان نماید اگر چه هر سه بخش
مذکور نیازمند توضیحات مبسوطی هستند
که مدرّس گرامی باید شخصاً عهده دار این
مهم گردد.

اللّٰهُمَّ وَفّقْنَا لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰی

مرتضی مخمل باف

بخش اول

آشنایی با ظواهر قرآن کریم

معنای لغوی و اصطلاحی قرآن

قرآن مصدر باب «قَرَأَ - يَقْرَأُ» به معنی

خواندن یا مطالعه کردن مکتوب (نوشته

شده) و همچنین به معنای جمع کردن است و چون این کتاب آسمانی بر مجموع آیات و سُور اطلاق می‌شود و فلذا درک مفاهیم آیات و سوره‌های آن مستلزم خواندن آن می‌باشد بدین لحاظ قرآن نامیده شده است.

چگونگی نزول قرآن کریم

این کتاب آسمانی در مدت ۲۳ سال از تاریخ ۶۱۰ میلادی (۱۳ سال در مکه معظمه و ۱۰ سال در مدینه منوره) زمانی که ۴۰ سال و ۶ ماه قمری از عمر

پیامبر (ص) می‌گذشت، از طریق فرشته
وحی حضرت جبرائیل (ع) به پیامبر بزرگ
اسلام (ص) نازل شد و توسط آن حضرت و
به دستور پروردگار متعال در مکان‌ها و
زمان‌های مختلف به مردم ابلاغ گشته
است.

چگونگی نگارش قرآن کریم

معمولاً قرآن کریم در زمان پیامبر
اسلام (ص) با خط نسخ و کوفی نگارش
می‌شد. نویسندگان وحی، آیات نازل شده
را روی پوسته درختان، پارچه و حریر،

پوست حیوانات، استخوان‌های پهن، سنگ
و سفال و احیاناً نوعی کاغذ می‌نوشتند.

مشخصات قرآن مجید

قرآن مجید دارای ۱۱۴ سوره و بیش از
۶ هزار آیه می‌باشد. (به قول مرحوم
طبرسی صحیح‌ترین اعداد آیات قرآن
۶۲۳۶ آیه است) و همچنین دارای ۷۷۷۰۱
کلمه و ۳۲۳۶۷۱ حرف و ۱۰۱۵۰۳۰ نقطه و
۹۳۲۴۳ فتحه و ۳۹۵۸۶ کسره و ۴۸۰۴
ضمه و ۴۸۸۷۲ الف و ۳۲۷۲ همزه و
۱۹۲۵۳ تشدید و ۱۷۷۱ مدّ و ۵۰۹۸ محلّ

وقف می باشد.

مجموع قرآن کریم را به ۳۰ جزء تقسیم

کرده اند. به عبارت دیگر هر جزء، $\frac{1}{30}$

قرآن است.

هر جزء، از ۴ قسمت به نام حزب

تشکیل شده که در نتیجه کل قرآن شامل

۱۲۰ حزب می باشد. (هر حزب $\frac{1}{120}$ قرآن

است)

لازم به تذکر است در برخی چاپ های

دیگر قرآن، مجموع آن به ۶۰ حزب تقسیم

شده است که این تقسیمات سلیقه‌ای است.

هر سوره به قسمت‌های کوچکتری تقسیم می‌شود که آیه نام دارد.

تمرین

پنج آیه از قرآن کریم نشان دهید که کلمه قرآن در آنها به کار رفته باشد؛ با ذکر آیه و سوره.

تعریف مکی و مدنی بودن آیات

اکثر علماء ملاک مکی یا مدنی بودن آیات و سوره‌ها را نزول آنها در مکه یا مدینه و اطراف هریک دانسته‌اند. ولی بعضی از ایشان ملاک مکی یا مدنی بودن آیات و سوره‌ها را قبل و بعد از هجرت و بر اساس نزول در این دو زمان بیان داشته‌اند و به این اعتبار سوره‌ها و آیاتی که قبل از هجرت نازل شده مکی، و سوره‌ها و آیاتی که بعد از هجرت نازل شده، مدنی می‌باشد. به روایتی ۸۶ سوره قرآن مکی و ۲۸ سوره

مدنی و به روایتی دیگر ۸۷ سوره مکی و
۲۷ سوره مدنی است.

تمام سوره‌ها، غیر از سوره نهم (توبه) با
«بسم الله الرحمن الرحيم» شروع شده‌اند
و تنها سوره‌ای که دو بار آیه شریفه
«بَسْمَلَهُ» (بسم الله الرحمن الرحيم) در آن
تکرار شده است، سوره مبارکه نمل است.

تمرین

تعاریف آیات مکی و مدنی و تعداد هر یک از آنها
را به صورت حفظ بیان کنید.

* در قرآن نام ۲۶ نفر از انبیاء ذکر شده

است که عبارتند از:

حضرت آدم (ع)، حضرت ادریس (ع)،
حضرت نوح (ع)، حضرت هود (ع)،
حضرت صالح (ع)، حضرت لوط (ع)،
حضرت ابراهیم (ع)، حضرت
اسماعیل (ع)، حضرت اسحاق (ع)،
حضرت یعقوب (ع)، حضرت یوسف (ع)،
حضرت ایوب (ع)، حضرت یونس (ع)،
حضرت شعیب (ع)، حضرت موسی (ع)،
حضرت هارون (ع)، حضرت داود (ع)،

حضرت سلیمان (ع)، حضرت الیاس (ع)،
حضرت الیسع (ع)، حضرت ذوالکفل (ع)،
حضرت عَزِیر (ع)، حضرت زکریا (ع)،
حضرت یحیی (ع)، حضرت عیسی (ع)،
حضرت محمد (ص).

و نیز ۶ سوره به نام آن بزرگواران
می باشد که عبارتند از: حضرت یونس (ع)،
حضرت هود (ع)، حضرت یوسف (ع)،
حضرت ابراهیم (ع)، حضرت نوح (ع)،
حضرت محمد (ص).

اولین سوره فاتحةُ الكتاب (حمد) و

آخرین سوره ناس می باشد.

طولانی ترین سوره ها، سوره مبارکه بقره
با ۲۸۶ آیه و کوتاهترین سوره، سوره
مبارکه کوثر با ۳ آیه می باشد.

اولین آیاتی که بر پیامبر اکرم (ص) نازل
شده ۵ آیه اول سوره علق می باشد و بنابر
گفته بعضی از مفسرین، آخرین آیه که بر آن
حضرت نازل گردید قسمتی از آیه ۳ سوره
مائده (الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ
عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)
که به نام آیه اکمال نامیده شده، می باشد.

در خصوص آخرین سوره‌ی نازل شده
بر پیامبر اکرم (ص) قول‌هایی مطرح
گردیده که به شرح ذیل می‌باشد:

● سوره مبارکه نصر (نقل از کتاب

شریف عیون اخبار الرضا، ج ۱،

ص ۶۵۴، باب ۳۰، حدیث ۱۲)

● سوره مبارکه توبه (به نقل از تفسیر

نمونه، ج ۷، ص ۲۷۱)

● سوره مبارکه مائده (به نقل از

تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۲۵۷)

حرف «تاء» در کلمه «وَلْيَتَلَطَّفْ» در

آیه ۱۹ سوره کهف، حرف نیمه قرآن است.

بزرگترین آیه قرآن کریم در سوره بقره آیه

۲۸۲ و کوتاهترین آیه، در سوره طه آیه اوّل

آن (طه) می باشد.

در قرآن کریم دو آیه وجود دارد که در

هر یک از آنها تمام حروف تهجی آمده

است:

اوّل: آیه ۱۵۴ سوره آل عمران (ثُمَّ أَنْزَلَ

عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى

طَائِفَةً...).

دوم: آیه ۲۹ سوره فتح (مُحَمَّدٌ رَسُولُ

اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ

رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...).

حروف مقطعه‌ای که در ابتدای بعضی

سوره‌ها آمده، فواتح سُورِ یا حروف نور نام

دارد که با حذف مکررات از ۱۴ حرف

تشکیل شده که در جمله: «صِرَاطُ عَلِيٍّ

حَقُّ نُمِسِكُهُ» (راه علی (ع) راه حقی است

که ما به آن تمسک می‌جوئیم)، جمع شده است.

باید دانست حروف مقطعه در اول ۲۹ سوره قرآن کریم وجود دارند.

سه سوره با «یا ایُّهَا النَّبِیُّ»، شروع می‌شود، که عبارتند از: احزاب، طلاق، تحریم.

سه سوره با «یا ایُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُوا» شروع می‌شود که مائده، حجرات، ممتحنه می‌باشند.

دو سوره با «**يَا أَيُّهَا النَّاسُ**» شروع

می‌شود که نساء و حج می‌باشند.

پنج سوره با «**قُلْ**» شروع می‌شود که

عبارتند از: جن، کافرون، توحید یا
اخلاص، فلق و ناس.

توجه: منظور از خواندن **چهار قُل** که در

بعضی از روایات آمده است فقط

سوره‌های: کافرون، توحید، فلق و ناس

می‌باشند.

بیست سوره با صیغه قسم آغاز می‌شود؛

مانند: عصر، عادیات، فجر و غیره.

در آیات قرآن ۱۵ موضع سجده وجود دارد که در ۴ آیه سجده واجب و در ۱۱ آیه سجده مستحب یا مندوبه است. چهار سجده واجب در سوره‌ها و آیات زیر است:

۱- سوره سجده آیه پانزدهم.

۲- سوره فصلت، آیه سی و هفتم.

۳- سوره نجم آخرین آیه سوره که آیه

شصت و دوم می‌باشد.

۴- سوره علق، آخرین آیه سوره که آیه

نوزدهم می باشد.

توجه: اسامی سُوری که دارای سجده

مندوبه یا مستحبه می باشند عبارتند از:

اعراف - نحل - مریم (س) - حج (در ۲

موضع) - نمل - انشقاق - رعد - اِسرائ -

فرقان و سوره ص.

تمرین

۱. اسامی پیامبرانی که در قرآن کریم ذکر

شده اند و نیز پیامبرانی که در قرآن کریم

سوره‌ای به نام آنها می‌باشد را به صورت حفظ بیان کنید.

۲. طولانی‌ترین و کوتاه‌ترین سُور و تعداد آیات آنها و نیز اولین و آخرین سوره قرآن و نیز بزرگترین و کوچکترین آیه قرآن را بیان نمائید.

۳. حفظ دو آیه که همه حروف تهجی در آنها می‌باشد.

۴. حفظ حروف مقطعه و جمله معروف آن.

۵. پنج سوره‌ای که با کلمه قل شروع می‌شوند و چهار قل به چه سوری می‌گویند.

۶. اسامی سوری که سجده مندویه دارند و نیز اسامی سوری که سجده واجبه دارند.

برخی اسامی قرآن کریم

قرآن مجید به اسامی مختلفی در قرآن کریم ذکر شده است که بعضی از آنها عبارتند از: فرقان، کتاب، نور، تنزیل، حدیث، موعظه، هادی، حق، بیان، منیر، شفا، عظیم، کریم، مجید، عزیز، نعمت، روح، حبل، قصص، مهیمن، حکم، ذکر، سراج، بشیر، نذیر، تیان، مبارک، مبین، ذِکری، عدل، صراط مستقیم، صدق بصائر، فضل، منادی، حکیم و رحمت نیز آمده است.

اسامی دیگر بعضی از سوره‌های قرآن

کریم

بعضی از سُور قرآنی نام‌های غیر مشهور دیگری هم دارند که به عنوان نمونه بعضی از آنها ذیلاً یادآوری می‌شود.

- برای سوره حمد بیش از بیست نام که بعضی از آنها عبارتند از: فاتحه الكتاب - السَّبْعُ المَثَانِی - اُمُّ الْکِتَاب - اُمُّ الْقُرْآن

- نام دیگر سوره بقره (فُسطاط القرآن) است.

- نام دیگر سوره مائده (العقود) است.
- نام دیگر سوره توبه، (برائت) است.
- نام دیگر سوره یوسف، (أَحْسَنُ الْقَصَصِ) است.
- نام دیگر سوره اسراء (اسرائیل) است.
- نام دیگر سوره نمل (سلیمان) است.
- نام دیگر سوره فاطر (ملائکة) است.
- نام دیگر سوره غافر (مؤمن) است.
- نام دیگر سوره قلم (نون) است.

- نام دیگر سوره ملک (تبارک) است.
- نام دیگر سوره انسان (دهر) است.
- نام دیگر سوره ماعون (دین) است.
- نام دیگر سوره کافرون (جحد) است.
- نام دیگر سوره تَبَّت (مسد) است.
- نام دیگر اخلاص (توحید) است.
- نام دیگر هُمَزَه (الْمَزَه) است.

تمرین

۱. فهرست ۱۱۴ سوره قرآن کریم را حفظ

کرده و برای مدرس خود بیان نمائید. (در
هر جلسه نام ۱۰ سوره)

۲. پنج مورد از اسامی قرآن کریم ذکر شده
در جزوه را با ذکر سوره و آیه از قرآن کریم
نشان دهید.

اصطلاحات مربوط به نام سوره‌ها

مُعَوِّذَتَيْنِ: به دو سوره‌ای گفته می‌شود

که با «**قُلْ أَعُوذُ**» شروع می‌شود (فلق و

ناس) و به معنای تعویذ (پناهنده شدن)

می‌باشد. پس معوذتین یعنی دو سوره‌ای

که انسان را در پناه پروردگار قرار می‌دهد.

حوامیم: سوره‌هایی که با «**حم**» آغاز

می‌شوند؛ سوره‌های المؤمن، زخرف،

فصلت، شوری، احقاف، جاثیه و دخان

می‌باشند.

مُسَبِّحات: سوره‌هایی که با کلمه‌ای از

مادّه «سبح» شروع می‌شوند؛ سوره‌های

اسراء، حدید، صف، جمعه، تغابن، اعلی و

حشر

حَمْد یا حَامِدات: سوره‌هایی که با

کلمه‌ای از مادّه «حمد» شروع می‌شوند؛

سوره‌های فاتِحَة الکتاب، انعام، کهف،

سباء و فاطر.

عَزَائِم: سوره‌هایی که سجده واجب

دارند؛ که عبارتند از: سوره‌های سجده،

فصلت، نجم و علق.

طواسین: سوره‌هایی که با «طس» آغاز

می‌شوند: سوره‌های شعراء، نمل و قصص.

زَهرِاوان: کلمه زهرا به معنای درخشان

است و چون دو سوره بقره و آل عمران از لحاظ محتوا دارای درخشندگی محتوایی هستند از آن جهت به زهرِاوان نام گرفته‌اند.

قَرینَتین: سوره‌های انفال و بَرائت، چون

این دو سوره نزدیک و کنار هم و بدون
فاصله بِسْمَلَه می‌باشند و محتوای آنها به
هم نزدیک است از این جهت قرینتین یعنی
نزدیک به هم، نام گرفته‌اند.

تمرین

کلمات (معوذتین - مسبّحات - عزائم و
حامدات) را تعریف نمائید.

اصطلاحات دانشمندان لغوی در مورد

حروف و حرکات

تاء منقوطة و طاء مؤلف: برای اینکه

در تلفّظ کردن، «ت» با «ط» اشتباه نشود

به اولی تاء منقوطة و به دومی طاء مؤلف

گویند و همچنین در دو حرف «ز» و «ظ»

که به اولی زاء أُخْتُ الرَّاء و به دومی ظاء

أُخْتُ الطَّاء گویند. همچنین به تاء گرد (ة)

تاء مُدَوَّرَة و در مقابل به تاء منقوطة (ت)

تاء مبسوطة گویند.

مُنَوَّن: حرفی که دارای یکی از

تتوین‌های سه گانه است را مُنَوَّن گویند.

منصوب: به کلمه‌ای گویند که در

حالت نصب قرار داشته باشد و غالباً با

تتوین مفتوحه و یا حرکت فتحه بر روی

آخرین حرف مشخص می‌شود.

مجرور: به کلمه‌ای گویند که در حالت

جَرّ قرار داشته باشد و غالباً با تتوین

مجروره و یا حرکت کسره بر روی آخرین

حرف مشخص می‌شود.

مرفوع: به کلمه‌ای گویند که در حالت

رَفَع قرار داشته باشد و غالباً با تتوین مرفوع
و یا حرکت ضمه بر روی آخرین حرف
مشخص می‌شود.

ص: علامت همزه وصل است. مانند:

«وَالَّذِينَ».

ء: اگر بر روی همزه‌ای قرار گیرد

علامت قطع بودن آن است. مانند:

«أَنْعَمْتَ».

رکوعات قرآن: اهل سنّت و جماعت سی
جزء قرآن را به هزار قسمت تقسیم کرده و
هر جا قصّه و یا موضوعی تمام شود روی
آخرین آیه آن حرف «ع» می‌نویسند که
نشانه رکوعات است .

طرز کار با کتاب‌هایی که درباره قرآن

کریم نوشته شده است

(۱) کشفُ الایات

معنای اصطلاحی: پیدا کردن آیات

نکاتی چند پیرامون شیوه کار با این

کتاب

۱- هدف از نوشتن این کتاب، همانطور

که از اسم آن پیداست پی بردن به شماره آیات و نام سوره از روی داشتن فقط یک کلمه است.

۲- این کتاب البته کامل نیست (یعنی

لغاتی هم هستند که در قرآن کریم هست لکن در این کتاب ذکر نشده) ولیکن در حدّ خود کتابی خوب و مطلوب است.

۳- این کتاب راهگشا برای کسی است

که به دنبال آیه‌ای از قرآن باشد لکن کل آیه و نام سوره مورد نظر خود را فراموش کرده باشد ولی لازم به تذکر است که حتماً باید کلمه‌ای از آیه مورد نظرش را به یاد داشته باشد.

۴- در کشف الایات‌هایی که در آخر

قرآن‌ها موجود است تقریباً همه حروف جاژه، ضمائر و امثالهم حذف گشته و بطور مختصر از افعال و یا از اسماء برای پیدا کردن آیات استفاده شده است.

۵- ترتیب لغات در اینجا به ترتیب

حروف الفبای عربی می باشد، حتی از شروع کلمه تا پایان آن، این ترتیب حفظ شده است.

۶- در جداول فقط ماده اصلی کلمه ذکر

شده و بیننده با دانستن ماده اصلی یک کلمه می تواند آن را در آیه مورد نظر پیدا کند.

۷- برای بدست آوردن سریع آیه باید

کلمه ای را در نظر گرفت که حتی الامکان

کمتر در قرآن کریم تکرار شده باشد تا به دستیابی به آیه مورد نظر کمک بیشتری کند.

۸- خانه‌های خالی علامت تکرار

کلمه‌ای است که در بالای اولین خانه ثبت شده است.

۹- قبل از شروع کار باید کاغذی داشته

باشید تا هنگامی که کلمه مورد نظر را در کشف‌الآیات پیدا کردید، بلافاصله نام سوره و شماره آیه آن را یادداشت نمایید و اگر در

چند سوره ذکر شده، همین عمل را تکرار
نمایید تا آنچه را که مطلوب است بدست
آید.

۱۰- در شماره سوره‌ها هیچگونه
اختلافی در قرآن‌ها وجود نداشته و نخواهد
داشت ولکن در شماره آیات همیشه
اختلافاتی به چشم می‌خورد که برای رفع
این مشکل باید همیشه آیات بالاتر و
پایین‌تر از آیه‌ای که در کشف الایات ذکر
شده است را جستجو کرد.

۱۱- پس از کشف ماده اولیه لغت مورد

نظر و شناسایی اولین حرف الفبایی آن به راحتی می‌توان آن را در خانه جدول مخصوص پیدا کرد.

تمرین

معلم محترم باید حداقل ۳ کلمه را جهت جستجو در کشف‌الایات به دانشجو ارائه دهد.

المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الكريم

معناى لغوى: ابزار رفع کننده ابهام به

صورت فهرست وار برای الفاظ قرآن کریم.

مشخصات کتاب و نویسنده آن

نویسنده این کتاب مرحوم محمد فؤاد

عبدالباقی فرزند مرحوم عبدالباقی می باشد

که در سال ۱۳۵۸ هجری قمری تألیف این

کتاب را به اتمام رسانیده است و پس از

بازدید نهایی در سال ۱۳۶۴ هجری قمری

آن را آماده چاپ نموده است.

انگیزه نوشتن این کتاب، با دیدن کامل‌ترین کتاب کشف الایات که بوسیله گوستاو فلوگل آلمانی در سال ۱۸۴۲ در لایپزیک چاپ شد، در مؤلف بوجود آمد و این کشف الایات را نوشت و با نوشتن این کتاب هر گونه کشف الایاتی بی رنگ شد و این کتاب سرآمد همه شد، چرا که از هر نظر کامل و آنطور که مشهور است تمام لغات قرآن کریم را در این کتاب جمع آوری نموده و لغتی را باقی نگذارده است.

از ویژگی‌های این کتاب این است که

برای هر کلمه، جهاتی را در نظر گرفته
است که ذیلاً یادآوری می‌شود:

۱- در زیر هر کلمه، داخل پرانتز، تعداد
و مرتبه‌ای که آن کلمه در قرآن به کار رفته
است را به صورت عدد مشخص نموده
است.

۲- قسمتی از آیه را که کلمه مورد نظر
در آن است ذکر نموده است.

۳- نام سوره و شماره آیه را در اول و
سپس شماره سوره را نیز ذکر نموده و مکی

بودن یا مدنی بودن آیات را با علامت (م)
برای آیات مدنی و علامت (ک) برای آیات
مکی مشخص کرده است.

۴- در بالای هر صفحه، ماده اصلی را
که در ذیل صفحه درباره آن بحث شده
است نوشته و در گوشه صفحه نیز خود
کلمه یا کلمات مورد بحث در همان صفحه
نگاشته گردیده است.

این کتاب دارای ۷۸۲ صفحه بوده که با
لغت «(اباً)» از سوره عبس آیه ۳۱ شروع
شده، و با لغت «(یومئذ)» از ماده «ی-و-»

م» در سوره معارج، آیه ۱۱ پایان می‌پذیرد.

روش کار با معجم المفهرس

از نظر شیوه کار، این کتاب همانند کشف الآیات‌های معمولی است. یعنی پس از کشف ماده اولیه لغت مورد نظر و شناسایی اولین حرف الفبایی آن در کتاب، به راحتی می‌توان به مقصود رسید. البته نکاتی که ذکر شد نیز باید مد نظر قرار گیرد.

کتاب معجم المفهرس در نوع خود

بی نظیر بوده و زحمات نویسندگان واقعاً
قابل تقدیر و ستایش می باشد.

تمرین

دو کلمه از قرآن کریم انتخاب نموده و پس
از ریشه یابی از معجم المفهرس بر مبنای
کتاب تفصیل الآیات آن را موضوع بندی
نموده سپس با کمک قاموس القرآن
خلاصه ای راجع به آنها بیان نمایید.

۳- تفصیل الایات القرآن الکریم +

المستدرک

معنای اصطلاحی: پیدا کردن مطالب و

موضوعات مختلف مطروحه در قرآن.

مشخصات: نویسنده این کتاب آقای

ژول لایوم، دانشمند فقید فرانسوی است.

این کتاب توسط مرحوم محمد فؤاد

عبدالباقی از فرانسه به عربی ترجمه گشته

و از زبان عربی به زبان فارسی توسط آقای

حاج شیخ مهدی الهی قمشه‌ای استاد

دانشگاه ترجمه شده است.

چون در این کتاب موضوعات قرآنی بر اساس نظم و ترتیب خاصی نبوده است فلذا شاگرد ژول لایبوم به نام ادوارد موتیه مستدرکی بنام «مستدرک تفصیل الآیات» به عنوان متمم این کتاب به رشته تحریر در آورده است که معمولاً و بلکه اکثراً این دو کتاب به صورت یک کتاب کامل به چاپ رسیده و تقدیم علاقمندان می گردد.

کتاب تفصیل الآیات دارای ۱۸ باب کلی می باشد که هر بابی به فصول مختلف بر

حسب مورد تقسیم شده است و کتاب مستدرک نیز تحت عنوان ۵۰۰ کلمه موضوعات مختلف دینی را بیان نموده است، مجموع این دو کتاب ۱۳۰۲ صفحه است.

همانطور که گفته شد ادوارد مونتیه کتاب استاد خود را بر اساس حروف تهجی تنظیم نموده، تا برای یابنده آسانتر باشد و نیز قابل ذکر است: موضوعات و آیاتی را که ادوارد مونتیه در مستدرک خود اضافه کرده همگی جدید بوده و در اصل کتاب

آقای ژول لایبوم تکرار نشده است.

کیفیت کار با کتاب: طرز کار با این

کتاب بسیار ساده است و کافی است که درباره موضوعی بخواهیم بدانیم که آیا در قرآن کریم درباره آن موضوع صحبتی شده یا نه، بلافاصله به فهرست مراجعه کرده و به کمک آن به موضوع و مطلب مورد درخواست خود نایل می‌گردیم. مثلاً اگر خواسته باشیم در مورد نماز که یک امر عبادی است تحقیقی داشته باشیم باید در باب عبادات به فهرست مراجعه کرده و در

آنجا شماره صفحه را یادداشت نموده و سپس آیات مورد نظر خود را بیاییم.

معایب کتاب: اولاً بسیار قطور بوده و

لذا حمل و نقل آن بسیار مشکل می باشد و
ثانیاً، چون نویسنده کتاب فردی مسیحی
بوده و لذا کاملاً آشنایی با مسائل اسلامی
نداشته (هر چند که تحقیقات بسیاری
انجام داده است) در نتیجه بعضی از
موضوعات اصولاً با آیات در نظر گرفته
شده برای آنها تطبیق نمی کند.

۴- قاموس قرآن

معنای اصطلاحی: کتاب لغت در باب

لغات قرآن کریم

مشخصات نویسنده: نویسنده این

کتاب آقای سید علی اکبر قُرشی فرزند

مرحوم سید محمد می باشد که در سال

(۱۳۴۸ هـ. ق) متولد شده است و هم

اکنون (۱۳۸۲ هـ. ش) در قید حیات

می باشد.

از جمله کتاب های دیگری که ایشان به

رشته تحریر در آورده‌اند می‌توان: المعجم
المفهرس لالفاظ الصحیفه السجادیه را نام
برد و نیز کتاب قاموس قرآن که مورد بحث
ماست و کتب دیگر.

مشخصات کتاب: کتاب قاموس قرآن

بنا به گفته نویسنده، تنها ترجمه لغات قرآن
نیست بلکه گذشته از آن در نوع خود یک
کتاب تفسیر و اگر اغراق نباشد یک
دائرةالمعارف مخصوص به قرآن است.

در تألیف این کتاب به منابع و مأخذ
معتبری استناد شده است که در متن کتاب

مذکورند و در شماره آیات، کتاب معجم
المفهرس، تألیف محمد فؤاد عبدالباقی
مورد نظر بوده و شماره خطبه‌های نهج
البلاغه بر طبق نهج البلاغه عبده (شیخ
محمد عبده) آورده شده است.

تألیف این کتاب بنابر گفته صاحب
کتاب در ۲۸ ربیع الاول ۱۳۹۰ قمری
مطابق با ۱۳۴۹/۴/۲ شمسی شروع و در
روز نهم جمادی الاول ۱۳۹۵ قمری مطابق
۱۳۵۳/۲/۳۱ به حول و قوه الهی پایان
یافته است، و مجموعاً پنج سال و یک ماه

و یازده روز طول کشیده است.

ناگفته نماند که کتاب قاموس قرآن با «قاموس» که نویسندگان «مجدالدین محمد ابن یعقوب فیروز آبادی» می باشد تفاوت دارد و باید دانست کتاب «قاموس» کتابی است در لغت، که به زبان عربی نوشته شده است و در کتاب قاموس قرآن از آن هم استفاده شده است.

طرز کار با این کتاب: برای این کتاب

کافیست ریشه و ماده اصلی کلمه را دریافته و سپس طبق فهرست الفبایی

حروف که کتاب فوق نیز بر همین اساس
تتظیم شده است، کلمه مورد نظر را پیدا
نموده و از معنای آن مطلع شویم.

مثلاً برای پیدا کردن معنای کلمه
«فراغ» پس از اینکه دانستیم این کلمه از
ماده «فرغ» است به حرف فاء در کتاب
مراجعه کرده و کلمه فوق را می‌یابیم. در
این کتاب فقط لغاتی که در قرآن کریم
استعمال شده‌اند مورد بررسی قرار گرفته
است و لغات عربی دیگر در این کتاب
موجود نیستند. از خصوصیات این کتاب،

فارسی بودن آن است، لکن برای یافتن کلمات، دانستن علم عربی تا حدی لازم است.

۵- استفاده از رایانه و نرم افزارهای

موجود در این زمینه

امروزه با پیشرفت تکنولوژی در زمینه تحقیق بر روی آیات و واژه‌های قرآنی چه از نظر ظاهر و چه از نظر محتوایی، نرم افزارهایی تهیه شده که از طریق آنها نیز می‌توان با زمانی کمتر استفاده‌ی مطلوب‌تر

و بهتری را به عمل آورد. لکن استفاده از این نرم افزارها که امروزه تقریباً در کلیه مکان های مورد نظر موجود می باشد، منوط به آگاهی داشتن از دانش کامپیوتر و یا همان رایانه می باشد و لذا به دانشجویان محترم توصیه می شود برای تحقیق بهتر با سرعت بالاتر، از استفاده از این نوع نرم افزارها غافل نشوند؛ اگر چه لازم است امروزه هر پژوهشگری هم کار با رایانه های امروزی را بلد باشد و هم نسبت به طریق سنتی آنها که همانا رجوع به کتب مذکور

است آگاهی لازم را داشته باشد.

تمرین

مدرس محترم باید حداقل پنج کلمه را
جهت جستجو در معجم المفهرس به
دانشجو ارائه دهد.

بخش دوم

چگونگی جمع آوری قرآن کریم و کتابت آن

یکی از مباحث جنجالی و پرفراز و
نشیب در علوم قرآنی بحث جمع آوری
قرآن کریم و اختلاف قرائات در آن

می باشد.

شاید اغراق نباشد اگر بگوییم هیچ
بحثی در علوم قرآنی به این اندازه متشّت
نیست و در این زمینه خوانندگان عزیز و
دانشجویان قرآنی می توانند در میان کتب
متأخرین، به کتاب های «تفسیر البیان»
نوشته آیت الله خوئی (ره) و «پژوهشی در
قرآن کریم» نوشته آقای دکتر سید
محمدباقر حجتی کرمانی و کتاب «علوم
کتابت، قرائت و تفسیر قرآن کریم» نوشته
مرحوم دکتر رجبعلی مظلومی و نیز کتاب

«ده قرائت از طریق شاطبیّه و الدُّرّة»
منتشر شده توسط انتشارات ساقیان نور
مراجعه نمایند. اما آنچه که تقریباً
متّفق القول همه کسانی است که در این
زمینه تحقیقات لازم را انجام داده‌اند
مطالبی است که ذیلاً بیان می‌شود.

لازم به ذکر است در این بخش نیز مانند
بخش‌های دیگر سعی شده است مطالب
غامض، به صورت بسیار ساده و قابل فهم
برای دانشجویان قرآنی بیان گردد و به
همین منظور موضوعات مهم مبحث فوق

در آغاز به صورت یک سؤال کلی مطرح و سپس به پاسخگویی تحلیلی آن پرداخته شده است باشد که إن شاء الله مورد استفاده معلمین محترم و دیگر دانش پژوهان قرآنی قرار گیرد.

قرآن کریم در چه زمانی و چگونه جمع آوری شده و به صورت کتاب موجود در آمده است؟

در زمان رسول مکرم اسلام (ص) آنگاه که آیات نورانی قرآن کریم نازل می شد

مانند زمان حاضر وسایل نوشتن و خواندن
موجود نبود، اولاً تعداد بسیار اندکی در
جزیره العرب (عربستان امروزی) سواد
نوشتن و خواندن داشتند، آن هم نه به
معنای سواد خواندن و نوشتن امروزی؛
ثانیاً در زمان پیامبر اکرم (ص) دو نوع خط
رایج بود؛ یکی خط کوفی و دیگری خط
نسخ و هر دو نوع خط از نقطه و اعراب و
امثال آن به صورت امروزی محروم بودند،
مخصوصاً خط کوفی که هیچگونه نقطه و
علامت مشخص کننده‌ی حروف مشابه از

یکدیگر را دارا نبود مثلاً دو حرف «ت -
ث» و «ج - خ» که فقط با نوشتن نقطه در
پایین یا بالای حرف از همدیگر متمایز
می‌گردند و یا دو کلمه‌ای که فقط با بیان
حرکات در بالا و پایین آنها از یکدیگر
تفکیک شده و معنایی خاص خود پیدا
می‌کنند، در خط کوفی به هیچ عنوان قابل
شناسایی نبوده و لذا قاریان مجبور بودند در
این زمینه بیشتر به قوه حافظه خود و آنچه
که از زبان نبی اکرم (ص) شنیده بودند
اعتماد داشته باشند؛ لذا زمانی که آیات بر

قلب نورانی پیامبر رحمت (ص) نازل می‌شد، آن حضرت (ص) آیات را بر اصحاب خود خوانده و عده‌ای از آنان به عنوان حَفَّاز القرآن، آیات را حفظ می‌کردند و عده‌ای دیگر نیز به دستور آن حضرت (ص) آیات نورانی را بر روی وسایل نگارش آن روز می‌نگاشتند که در رأس آنها حضرت امیر (ع) قرار داشتند و به نام «کُتَّاب وحی» خوانده می‌شدند.

مورخین اسلامی، وسائل نگارش آن روز را استخوان شانه شتر و یا گوسفند،

برگ بعضی از درختان و گیاهان، پوست
حیوانات، آهن، چوب، نخل، سنگ‌های
سفید و نازک و ظریف و نوعی از
کاغذهای آن روز و ... بیان کرده‌اند.

کم کم با گسترش اسلام در زمان آن
حضرت (ص) افراد زیادی به عنوان
مسلمانان جدید برای درک مفاهیم قرآن
کریم و استماع آیات نورانی آن از زبان
پیامبر اکرم (ص) و یا از لسان اصحاب و
حافظان قرآن کریم که خود مستقیماً از
پیامبر گرامی (ص) استماع کرده بودند به آن

حضرت و یا به افراد فوق الذکر مراجعه کرده و هر مقدار از آیات را که می توانستند حفظ کرده و به دیار و شهر خود می رفتند و چون هر کدام از این افراد از شهرهای مختلف بوده و دارای لهجات گوناگونی بودند و طبیعی بود که هر کدام نیز به شیوه خود آیات را حفظ می کردند؛ یعنی همانطور که امروزه در کشور ایران اهالی شهرها هر کدام دارای لهجه های خاصی می باشند و جملات و کلمات و حتی حروف فارسی در بین اهالی شهرها بعضاً

هر کدام به طریق خاصی تلفظ می‌شوند در آن زمان نیز همین‌طور بود و هر چه حافظان و مستمعین آیات نورانی قرآن کریم زیاده‌تر می‌شد طبیعتاً اختلاف در نحوه خواندن نیز آرام آرام زیاده‌تر می‌گشت و البته این اختلاف به نحوی بود که در زمان حیات پیامبر (ص) هم قاریان قرآن برای رفع اختلاف در قرائت بعضی از کلمات به آن حضرت مراجعه نموده و آن بزرگوار نیز با توجه به مورد پیش آمده گاهی قرائت‌های غلط را حذف نموده و قرائت صحیح را

متذکر می‌گردیدند و گاهی نیز با توجه به
اختلاف لهجه و اینکه آن اختلاف هیچ گونه
تغییر بنیادی در اصل کلمه و حرف ایجاد
نمی‌نماید هر دو نوع لهجه و خواندن را
تأیید می‌فرمودند.

پس از بیان این مقدمه خواننده گرامی به
خوبی درک خواهد کرد که قرآن کریم به
چه صورت جمع آوری شده و در گردآوری
آن چه زحمات طاقت‌فرسایی کشیده شده
است و قطعاً در این زمینه پیامبر اکرم (ص)
و حضرت علی (ع) بیشترین زحمات را

متحمّل شده‌اند، بخصوص امیرالمؤمنین
علی (ع) که به دستور حضرت رسول (ص)
موظف بودند تا نگذارند قرآن کریم نیز
مانند تورات و انجیل که به دست یهودیان و
مسیحیان تحریف گشت به همان سرنوشت
دچار شود، لذا با نظارت دقیق و مستمر
خویش حتی در زمان خلفای سه گانه،
قرآن کریم را از هر گونه تغییر و تحول که
منجر به تحریف آن گردد حفظ کردند و در
زمان خلیفه سوم یعنی عثمان، قرآنی که
جمع آوری شده بود در مصحفی قرار

گرفت که متأسفانه با توجه به اینکه جمع آوری کننده قرآن حضرت علی (ع) بود لکن این مصحف به نام مصحف عثمانی نامیده شده و نسخه برداری گردید و پس از آن در شهرها پخش شد و یکی دیگر از مظلومیت‌های آن حضرت هم همین مطلب یعنی جمع آوری قرآن توسط آن حضرت و تمام شدن این کار به نام عثمان بود.

برای اینکه دانشجویان عزیز بهتر در جریان این موضوع قرار گیرند، ادامه بحث را با چگونگی پیدایش اختلاف قرائات

دنبال می‌کنیم.

اختلاف قرائات چیست و به چه

معنایی می‌باشد؟

به طور کلی تفاوت در خواندن کلمات
قرآنی و قواعد فنی آنها از نظر ظاهری را
اختلاف قرائات می‌گویند.

عوامل اختلاف قرائات در قرآن کریم

چیست؟

۱- به نظر مؤلف، مهمترین عامل

اختلاف در قرائت قرآن کریم که متأسفانه
شاید در کتب دیگر بدان اشاره نشده است،
کنارگذاشتن حضرت مولی الموحّدين
علی (ع) از حکومت و نادیده گرفتن حقّ
مسلم آن حضرت در جانشینی پس از
رحلت حضرت رسول اکرم (ص) می باشد؛
چرا که اگر منافقین برای این کار مانع-
تراشی نمی کردند و سُگان هدایت مردم
بدست آن بزرگوار سپرده می شد، در همه
موارد مخصوصاً در این مورد بخصوص
یعنی رفع اختلاف در قرائت بعضی از

کلمات قرآنی از نظر قواعد فنی و غیره
برای آن حضرت کاری ساده بود و اگر
سؤال شود که چرا در زمان حضرت
رسول (ص) با وجود خود آن حضرت یک
قرائت بیشتر در نظر گرفته نشده بود در
پاسخ می‌گوییم:

اولاً: در آن زمان هنوز آنچنان اختلافی
در قرائت قرآن کریم پدید نیامده بود و در
واقع اختلاف در قرائت در زمان آن حضرت
با زمان خلفاء اصلاً قابل مقایسه نیست.

ثانیاً: می‌دانیم که امام علی (ع) حجّت

خداوند بر مردم بوده و دارای مقام عظیم
عصمت و مصداق آیه شریفه «وَمَنْ عِنْدَهُ
عِلْمُ الْكِتَابِ» (کسی که همه‌ی علم کتاب
نزد اوست) می‌باشند و مسلماً آن حضرت
می‌توانستند با ارائه طرحی همه را به
خواندن یک قرائت به عنوان قرائت صحیح
آموزش داده تا امروز مسئله‌ای به نام
اختلاف قرائات مطرح نباشد.

حال اگر خواننده گرامی سؤال کند چرا
در زمان حکومت خلفاء و یا در زمان
حاکمیت خود آن حضرت آن بزرگوار چنین

کاری را انجام ندادند خواهیم گفت:

اولاً: متأسفانه خلفاء غاصب و مردم

نادانی که تحت تأثیر تبلیغات آنان قرار داشتند از پذیرفتن قرآنِ مکتوب و مدّون بدست آن حضرت که بعد از وفات نبی اکرم (ص) جمع آوری کرده بودند، خودداری کردند و البته آن قرآن، همین قرآن کنونی ولی دارای تفاسیر آیات و بیان محکّمات و متشابهات و نیز شأن نزول آنها

بود^۱ و شاید بتوان گفت برای جامعه اسلامی و پیشرفت آن بسیار حائز اهمیت بود، لکن آنان بدلیل وا همه از اینکه مبادا تبیین آیات در قرآنِ مکتوبِ آن حضرت، منصب خلافت را از آنها باز پس گرفته و مجبور شوند حق مسلم آن بزرگوار را به خودش واگذار نمایند، نگذاشتند آن حضرت قرآن تفسیر شده را به جامعه اسلامی عرضه نمایند و می دانیم که در

۱. اولین قرآنی که دارای تفسیر و توضیح بوده، همین قرآن بوده است.

زمان ائمه (ع) بعد نیز باز هم موقعیت مناسبی بوجود نیامد تا مردم از آن قرآن استفاده نمایند و لذا همچنان آن قرآن مکتوب به عنوان ودیعه‌ی امامت ثبت شده و هم اکنون نزد مولای ما حضرت صاحب الامر (عج) به عنوان یکی از ذخائر امامت محفوظ می‌باشد.

ثانیاً: آن حضرت در زمان خلافت

خلفاء به جهت حفظ اصول عالیہ اسلام و چهارچوب اولیه آن حتی از حق خود و خانواده مظلومشان نیز گذشته و به جهت

حفظ اساس اسلام و عدم خونريزي بين
مسلمين، بر شهادت همسر و فرزند خود
نيز صبر نمودند و همانطور كه مي دانيم
اختلاف در قرائتِ ظاهرِ بعضي از كلمات
قرآني آنچنان مسئله مهمي نبود كه آن
حضرت به عنوان يك مسئله اساسي
دخالت نموده و با مطرح كردن آن مشكلات
اصولي جامعه اسلامي را در آن زمان
تحت الشعاع قرار دهند و در زمان حكومت
خود آن حضرت نيز مي دانيم كه اصولاً
شركت در جنگ ها و رفع انحرافات اساسي

که منافقین قبل از آن حضرت در جامعه پدید آورده بودند، به آن بزرگوار حتی فرصت کارهای شخصی را نیز نمی‌داد چه رسد به اینکه به یک مسئله نه چندان مهم اختلاف قرائات رسیدگی نمایند.

۲- تفاوت لهجه مردم: (لهجه به معنای

زبان محلی است) همانطور که در مقدمه نیز بیان گردید چون قاریان و حافظان قرآن اغلب هر کدام به علت اهلّیت خاص خود، دارای لهجه خاصی نیز بودند، فلذا هر کدام قرآن را به لهجه خود تلاوت می‌کردند؛ به

همین منظور تا زمان خلیفه سوم (عثمان) آنطور که تاریخ می گوید حدود هشتاد هزار اختلاف در نحوه قرائت آیات قرآن کریم ایجاد شده و کلمات را به طرق مختلفی می خواندند به طوری که نزدیک به ۲۰۰ نوع قرائت به وجود آمده بود و در همین زمان بود که همه نبشته های قرآنی جمع آوری و به دستور عثمان سوزانده شد و به روایتی دیگر به نوعی (مثلا با آب) محو و نابود گشتند، سپس آنطور که اهل تسنن معتقدند به دستور عثمان مجمعی به نام مجمع

تدوین قرآن تشکیل شد و از آنجا که
اضطراب و دگرگونی‌هایی که در امر قرائت
قرآن پدید آمده بود و هر قبیله‌ای مطابق
لهجه و لغت خود، (با توجه به گسترش و
تنوع این لهجه‌ها و لغات) قرآن را
می‌خواندند، به دستور عثمان همه صحائف
جمع آوری شده و در یک مصحف جمع
گردید و به نام مصحف عثمانی نامگذاری
شد و درباره این مصحف گفته شده: که از
هر گونه اضافاتی که به توضیح و تفسیر
آیات و اعراب کلمات و نقطه‌های حروف

متشابه و نشانه‌های مشخص کننده قرائات و هر نوع علائم دیگر مربوط می‌شد، تجرید شده بود (یعنی: بدون هر گونه علامت و حرکت و امثالهم نوشته شده بود) و به همین ترتیبی که هم اکنون می‌بینیم آیات و سوره‌های آن تنظیم گردیده بود.

این مصحف بدان جهت بدون نقطه و اعراب و علائم نشان دهنده قرائات نگارش یافته بود که بتواند انعطاف لازم را نسبت به قرائات مختلف و معتبر دارا بوده و کتابت آن، توانایی پذیرش قرائات منقول از پیامبر

اکرم (ص) را داشته باشد. مثلاً کلمه

«تَبَيَّنُوا» در آیه «وَإِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ

بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» بدون نقطه نگارش یافت

که قرائت آن به صورت «فَتَثَبَّتُوا» ممکن

باشد و این بدان جهت بود که اعضای

شورای مجمع تدوین قرآن کریم در مورد

قرائت مصحف فوق نتوانسته بودند به یک

قرائت واحد دست پیدا کنند. و البته برای

هر شهر یک مصحف از روی مصحف

مذکور نگاشته شد و همراه آن یک نفر به

عنوان قاری به شهر مورد نظر فرستاده شد

تا در خواندن مصاحف یادشده مردم دچار
تشت و اختلاف نشده و هر یک به قرائت
دلبخواهی قرآن را تلاوت نمایند؛ اگر چه
خود همین امر، یعنی بدون علامت و نقطه
بودن مصحف فوق و نیز لهجات قاریان
فرستاده شده و نظرات اختلافی اعضاء
شورا در مورد نحوه قرائت بعضی آیات، به
هر حال اختلافات اندکی را در قرائت قرآن
کریم باعث می شد که البته این نوع
اختلافات به دلیل اینکه از افراد معتبر
شنیده شده بود و نیز در نوع خود دارای

تواتری خاص بود؛^۱ در زمان عثمان محدود شده و در واقع به مشهورترین قرائات نزدیک گردید. البته مطالبی که بیان شد نظرات دانشمندان اهل تسنن بوده لکن بزرگان شیعه در این مورد می‌فرمایند:^۲

امیرالمؤمنین علی (ع) در زمان خلیفه سوم (عثمان) بر کار تدوین قرآن کریم در یک مصحف و نیز کنار گذاردن قرائت‌های جعلی و احیاناً ناصحیح نظارت کامل

۱. یعنی چندین نفر نقل کرده بودند.

۲. عده‌ای از علمای اهل تسنن نیز همین نظر را دارند.

داشته و اصولاً این کار به دستور آن
حضرت انجام پذیرفته است. مرحوم سید
ابن طاووس (ره) در کتاب «سَعْدُ السُّعُودِ»
خود به کیفیت جمع آوری قرآن در زمان
ابوبکر و عمر اشاره کرده و نیز مسئله
نگارش مصحف را در زمان عثمان بطور
فشرده یاد می کند و می نویسد: عثمان قرآن
را به رأی علی (ع) جمع آوری کرد و در
حقیقت پشتوانه کار عثمان در جمع و
ترتیب قرآن، آگاهی های امیرالمؤمنین (ع)
درباره قرآن بوده است. عده دیگری از

بزرگان شیعه قائل به این مطلب هستند که قرآن کریم در زمان پیامبر اکرم (ص) جمع آوری و تدوین گشته بود به عنوان نمونه مرحوم سید مرتضی (ره) از دانشمندان بزرگ شیعه معتقد بود که قرآن کریم همزمان با حیات رسول خدا (ص) به ترتیبی که هم اکنون در اختیار ماست جمع آوری و مرتب گردید به این دلیل که قرآن کریم را در زمان آن حضرت تدریس می کردند و به مردم تعلیم می دادند و عده ای از اصحاب پیامبر (ص) قرآن را حفظ

می‌کردند و گروهی امثال عبدالله ابن مسعود و اُبی ابن کعب آن را از آغاز تا پایان نزد پیامبر اکرم (ص) چند بار قرائت و ختم نمودند.

این عالم بزرگوار در ادامه می‌گوید: همه این شواهد دلالت دارد که قرآن بدون هیچ اضطراب و پراکندگی در زمان پیامبر اکرم (ص) کاملاً جمع آوری و مرتب شده بود و نباید به مخالفت برخی از دانشمندان شیعه و دیگران در این مورد اعتماد نمود، چون این مخالفت (یعنی مخالفت با جمع

آوری قرآن در زمان پیامبر (ص) بر
احادیثی متکی است که ضعیف به نظر
می‌رسند، ولی تصور شده که آنها صحیح
است. در حالی که صحت مسئله جمع و
ترتیب قرآن در زمان پیامبر (ص) معلوم و
قطعی است.

همچنین یکی از فقیهان معاصر یعنی
حضرت آیت الله خوئی (ره) در مورد جمع
آوری قرآن در زمان رسول خدا (ص)
می‌فرماید: با مطالعه احوال پیامبر
گرامی (ص) و یاران او به این نتیجه

می‌رسیم که قرآن در عصر آن حضرت جمع
آوری و منظم گردید و مسئله جمع و ترتیب
قرآن کریم بوسیله خلفاء، مخالف همه ادله
احکام شرعی اعم از کتاب و سنت و
اجماع و عقل می‌باشد و سپس ایشان
ادامه می‌دهد: این مطلب درست است که
عثمان همزمان با خلافت خود به جمع و
تألیف قرآن اقدام نمود، ولی هدف او
ساختن و پرداختن مصحف منظم و مرتب
نبوده است (چون این کار در زمان
پیامبر (ص) صورت گرفت) بلکه هدف و

منظور عثمان از جمع آوری و تدوین قرآن
از میان بردن قرائات مختلف و گوناگونی
بود که احیاناً منجر به تحریف قرآن
می‌گردید، لذا عثمان دستور داد مصاحف
دگرگون و پریشان موجود را بسوزانند تا
مردم از مصحفی استفاده نمایند که دارای
قرائات واحد و یکنواختی باشد (پایان
گفتار آیت الله خوئی (ره)).^۱

پس نتیجه فرمایشات بزرگان شیعه
چنین شد که عثمان با نظارت حضرت

۱. تفسیر بیان، آیت الله خوئی، ج ۱، خلاصه از ص ۴۰۷.

علی (ع) و رأی آن بزرگوار، مردم را به قرائاتی در قرآن متوجه و متحد ساخت که دارای ارزش و اعتبار بوده و شواهد معتبری آن را تأیید می‌کرد و مردم را از قرائات گوناگون که غیر صحیح و تقریباً جنبه دلبخواهی پیدا کرده بود، برحذر داشت؛ اگرچه قرائت‌های مورد نظر مجمع تدوین قرآن در زمان عثمان نیز هیچ کدام متواتراً از پیامبر (ص) نقل نشده بود، بلکه بعضی از آنها نظر شخصی افراد عضو شورا بود ولی چون آنها شخصیتی معتبر بودند فلذا

قرائتشان به عنوان یک قرائت معتبر
شناخته می‌شد و بعضی دیگر از آن
قرائت‌ها به صورت خبر واحد^۱ به پیامبر
اکرم (ص) می‌رسید.

پس نتیجه می‌گیریم که اصل قرآن کریم
با همین کیفیت در زمان خود رسول
اکرم (ص) جمع آوری و تدوین گشته بود و
در زمان عثمان تدوین قرآن به صورت
حذف اختلافات ناستوده و بی‌بنیاد در

۱. خبر واحد: روایتی است که راویان آن در تمامی طبقات به حد

تواتر نرسیده باشد. اصول عامه، ج ۱، ص ۱۹۷

قراءات صورت پذیرفت؛ آن هم با نظارت
مستقیم و دخالت حضرت علی (ع)، به
عبارتی دیگر عثمان فقط قراءات متعدده را
جمع آوری کرده و از میان آنها چند قرائت
که مشهور بوده است را برگزیده، آن هم با
نظارت امیر المؤمنین (ع) و بقیه را سوزانده
است. (البته سوزاندن آنها نظر شخصی
خودش بوده است)

پس با از بین رفتن قرائت‌های زائد و
بی‌پایه، آنچه که مورد نظر بود در مصحفی
به نام مصحف عثمانی جمع‌آوری و به

شهرهای مختلف فرستاده شد. و به خاطر
خصوصیتی که از نظر اِعراب و اعجام^۱
داشت، در هنگام قرائت با همان اختلافاتی
که بیان شد خوانده می‌شد. فلذا
مکتب‌های مختلف قراء از همان زمان پدید
آمد.

۳- عاری بودن کلمات از نقطه و

حرکات و سکون و اِعراب:

پس از اتمام تدوین قرآن و نشر آن در

۱. اعجام: نقطه گذاری

حالیکه کاملاً متن آن مجرّد بود، یعنی
(هیچ نقطه، حرکت و علامتی نداشت)
کلماتی که از نظر شکل ظاهری، یکسان
بوده ولی از نظر معنا متفاوت بودند، زمینه
مساعدی برای اختلاف در قرائت را فراهم
کردند، چرا که همه مردم حافظ قرآن
نبودند و لذا در برخورد با این کلمات آنطور
که به نظرشان صحیح می‌رسید آن را
می‌خواندند؛ مثلاً کلمه «**رجل**» در
مصحف‌های فوق به صورت‌های زیر قابل
خواندن بود: «**رَحْل** - **رِجْل** - **رَجَل** -

رِجَال - راجِل - راجِلٌ» و یا کلمه «کفر»

به صورت‌های: «کَفَر - کُفِر - کافر -

کُفَّار» می‌توانست خوانده شود و امثال این

کلمات در قرآن کریم بسیار بوده است.

۴- کیفیت سماع^۱ قرائت قرآن از

پیامبر (ص) از نظر فنی (علم تجوید) در

اینجا توجه به دو نکته حائز اهمیت است:

الف) باید دانست کلیات علم تجوید به

صورت عملی در زمان رسول گرامی (ص)

۱. شنیده شدن

و توسط خود آن حضرت بنیان نهاده شده
است. بدین معنا که فرضاً چه کلمه‌ای باید
کشیده شود و یا با تشدید خوانده شود و
همچنین ادای مخارج و مراعات وقوف و
نیز رعایت صفات حروف و ادغام و اشمام
و تفخیم و ترقیق و امثالهم همگی با نظر آن
حضرت صورت پذیرفته است، ولی آنچه
که مسلم است چگونگی ثبت آنها و نیز
قرار دادن علامات و نشانه‌هایی برای
قراردادی کردن آنها و نیز گرد آوردن همه
آنها به صورت علم امروزی که تجوید

نامیده می‌شود در زمان آن حضرت انجام
نشده است.

ب) چون حفظ و نگهداری از کلام
الهی در زمان آن حضرت عمدتاً به صورت
حفظ و توسط حافظان انجام می‌شده
است، فلذا هر کدام از آنان و یا ناقلان آنها
به هر حال در مورد کلمه و یا حرفی از
کلمات قرآنی از نظر تجویدی مخصوصاً در
زمان‌های بعد از وفات پیامبر (ص) دچار
اختلافاتی می‌گشتند؛ مثلاً یک راوی، در
مورد کشش یک کلمه با راوی دیگر

اختلاف نظر داشت و همچنین در مورد
چگونگی تفخیم و ترقیق و اماله و ادغام و
اظهار و غیره همین طور بود و به همین
صورت اختلاف در نحوه قرائت ظاهری
قرآن کریم که همان تجوید می باشد پدید
آمد. و امروزه عمده اختلافات در قرائت
قرآن کریم، همان اختلاف در تجوید
کلمات و حروف می باشد.

پس مختصراً عوامل اختلاف در قرائت
قرآن کریم عبارت بودند از: ۱- کنار
گذاردن حضرت علی (ع) از جانشینی

پیامبر(ص). ۲- تفاوت لهجه مردم. ۳-
عاری بودن کلمات از نقاط، حرکات،
سکون‌ها و اِعراب. ۴- کیفیت سماع
قرائت قرآن از پیامبر گرامی(ص) از نظر
فنی (علم تجوید).

البته عده‌ای از دانشمندان عوامل
دیگری را ذکر کرده‌اند که طالبین می‌توانند
به کتب مذکور مراجعه نمایند، لکن عوامل
اساسی و مهم همانست که بیان گردید.

۱. به مدت یک دقیقه پیرامون اختلاف قرائات صحبت کنید.

۲. عوامل اختلاف قرائات را بر شمارده و پیرامون هر کدام مختصراً صحبت نمایید.

سؤال اوّل : قرائات سبعة در چه زمانی

بنیان گذاشته شد و توسط چه کسی این

امر محقق گردید؟

باید دانست در حدود ۲۰۰ سال پس از
تدوین مصحف قانونی در زمان عثمان
(سال ۲۸ هجری) اولین فردی که قرائات
قانونی و مقبول را تدوین نمود «ابو عبید
قاسم ابن سلام خراسانی انصاری»، امامی
بزرگ، حافظی علامه و صاحب تصانیف
بسیار بود.

او قرائات ۲۵ قاری بزرگ را ضبط کرد که
قرّاء سبعة نیز جزو همین بیست و پنج
قاری مقبول بودند. او در سال ۲۲۴ هـ.ق
وفات نمود ولی انتخاب قرّاء سبعة از بین
۲۵ قاری و تدوین کتابی در این زمینه در
آخر قرن سوم توسط فردی به نام «ابوبکر
احمد بن موسی ابن العباس ابن مجاهد
تمیمی» (متوفای سال ۳۲۴ هـ.ق) معروف
به «ابن مجاهد» صورت پذیرفت و تا قبل
از آن یعنی در حدود سال ۲۰۰ هـ.ق قرائات
قرّاء سبعة در شهرهای اسلامی شهرتی

بسزا گرفته بود، ولی هنوز کتابی در این زمینه تدوین نشده بود تا اینکه همانطور که بیان شد این مجاهد قرائات این هفت نفر را در کتابی به نام «السَّبعه» جمع آوری نمود و از آن زمان به بعد قراء سبعة و قرائات هفتگانه آنان به عنوان قرائت‌های مشهور شناخته شده و همه قاریان قرآن برای فراگیری قرائت‌های مختلف، فقط به این قرائت‌ها رجوع کرده و می‌کنند.

در چه زمانی و چه کسی قرائات سبعة
را بنیان گذاشت؟

سوال دوم: علم تجوید توسط چه کسی

و از چه زمانی ایجاد گردید؟

همانطور که قبلاً اشاره شد کلیات علم تجوید به صورت عملی در زمان پیامبر اکرم (ص) و توسط خود آن حضرت بنیان نهاده شد ولی تدوین آن به صورت یک مجموعه و ایجاد علامات و حرکات و وضع قوانینی در این رابطه شامل همه موارد علم تجوید البته نه به صورت تکامل یافته امروزی، در آغاز در قرن چهارم توسط «ابو مزاحم موسی ابن عبیدالله ابن

یحیی ابن خاقان» (معروف به خاقانی
بغدادی مقری) صاحب قصیده خاقانیه در
تجوید متوفای سال ۳۲۵ هـ.ق انجام شد.

تمرین

بنیانگذار تدوین علم تجوید چه کسی
بود؟

سوال سوم: حرکت گذاری یعنی اعراب

و اعجام قرآن کریم در چه سالی و توسط

چه کسانی انجام پذیرفت ؟

مرحوم علامه طباطبایی (ره) در این

زمینه می فرماید: در اواخر قرن اول،

«ابوالاسود دوئلی»، از اصحاب علی (ع) با

راهنمایی آن حضرت دستور زبان عربی را

نوشت و به امر عبدالملک اموی، نقطه

گذاری حروف را بنا گذاشت و برای اشاره

به حرکات، نقطه‌هایی می نهاد (بطور مثال:

برای فتحه نقطه‌ای در ابتدای فوقانی

حرف، برای کسره نقطه‌ای در ابتدای
زیرین حرف، برای ضمه نقطه‌ای بالای
حرف، در طرف آخر) اگر چه این کار نیز
خود تا حدی هم موجب ابهام بود لکن به
این ترتیب قدری از ابهام خط کوفی کاسته
شد. و پس از او دو شاگرد با تقوایش یعنی
«يَحْيَى ابْنِ يَعْمَرَ عُذْوَانِي» و «نَصْرِ ابْنِ
عَاصِمِ لَيْثِي» (این فرد شاگرد یحیی ابن
يعمر نیز بوده است) کار استاد خود یعنی
ابوالاسود دوئلی را کامل نموده و بدین
ترتیب نقطه گذاری و اعراب گذاری قرآن

کریم توسط این سه نفر و در حدود
سال‌های ۵۰ ه.ق تا اواخر قرن اول بنیان
نهاده شد و جالب است بدانیم که هر سه
نفر مذکور شیعه و ایرانی بوده‌اند.

تمرین

چه کسانی اعراب و اعجام قرآن را
انجام دادند؟

آشنایی با قراء سبعة (قاریان هفتگانه)

پس از بیان علل و عوامل پیدایش قرائت‌های هفتگانه، و توضیحاتی که ذکر گردید، اکنون به بررسی اجمالی زندگی آنان می‌پردازیم. قبل از شروع بحث، ذکر این نکته لازم می‌باشد که هریک از قاریان هفتگانه دارای راویانی می‌باشند که قرائت آن قاری را برای دیگران نقل نموده‌اند که از میان آنان دو نفر به عنوان مشهورترین راویان انتخاب شده و نام آنان نیز به عنوان راویان قاری ذکر شده است.

۱- عبدالله ابنِ عامرِ دَمِشقی

نام وی «عبدالله ابنِ عامر دمشقی» و کنیه‌اش «أَبُو عَمْرَان» و ملقب به «يَحْصَبِي» است. وی قرآن را از «مُغَيَّرَة ابنِ اَبی شَهاب» فرا گرفته است. او اصلاً عرب است و در زمان خلافت وَلیدِ ابنِ عَبْدِ الْمَلِک و عُمَرِ ابنِ عَبْدِ الْعَزِیز رئیس اهل مسجد و قاضی شام بوده و پیشوای قرائت برای مردم شام به حساب می‌رفته است و گفته شده که عمر ابنِ عبدالعزیز، خلیفه وقت، در نماز به او اقتدا می‌کرده است.

وی در سال هشتم هجری متولد و در سال
یکصد و هیجده هـ.ق در گذشته است
راویان او عبارتند از:

الف- «هشام ابن عَمَّار» فرزند نصیر ابن
مِیسَرِه می باشد و قرائت را نزد «ایُّوب ابن
تَمیم» فراگرفته و بروی عرضه نموده
است. او در سال ۱۵۳ هـ.ق متولد و به
سال ۲۴۵ هـ.ق در گذشته است. وی
معروف به «هشام» است.

ب- «عبدالله ابن احمد ابن بشیر ابن

ذکوانِ دَمِشقی» معروف به «ابن ذکوان» ،
او هم قرائت را از ایوب ابن تمیم فرا گرفته
است و در سال ۱۷۳ هـ.ق متولد و به سال
۲۴۲ هـ.ق وفات یافته است.

۲- ابن کثیر مکی

نام وی «عبدالله» فرزند «کثیر ابن
عبدالله بن زاذان ابن فیروزان ابن هرمز»
می باشد از اهل مکه و از قبیله دار بوده و از
نظر نسب ایرانی است. او در سال ۴۵
هـ.ق در مکه متولد و در سال ۱۲۰ هـ.ق
وفات نمود. وی به «ابن کثیر» مشهور

می باشد. راویان او عبارتند از:

الف- «أبو الحسن أحمد ابن محمد ابن

عبدالله ابن القاسم ابن نافع ابن ابی بَرَّة

الْبَزْزِي مَكِّي» (۱۷۰-۲۵۰) که اهل همدان و

ایرانی می باشد.

ب- «أبو عُمَر محمد ابن عبدالرحمن

ابن أحمد ابن خالد ابن سعيد المَكِّي

الْمَخْزُومِي» معروف به «قُنْبِل» (۱۹۵-

۲۹۱).

۳- عاصِم ابن بَهْدَلِه کُوفی

نام وی «ابوبکر عاصم ابن اَبی النَّجْوَدِ الْأَسَدِی» و اهل کوفه است. قرائت را نزد ابی عبدالرحمن السُّلَمی و او از امیر مؤمنان فراگرفته است. او شیخ القراء کوفه بوده و بعضی او را شیعه دانسته‌اند. وی در سال ۱۲۷ هـ.ق از دنیا رفته است وی معروف به عاصم می‌باشد و راویان وی عبارتند از:

الف- «ابوبکر شُعْبَة ابن عَیَاش ابن

سالم الکوفی « (۹۵-۱۹۳).

ب- «أبو عمرو حفص ابن سليمان ابن

مُغَيَّرِه أَسَدِي كُوفِي» (۹۰-۱۸۰ هـ.ق) وی
معروف به حفص می باشد.

۴- أَبُو عمرو زَبَانِ ابنِ الْعَلَاءِ ابنِ عَمَّار

ابن عبدالله البصري (۶۸-۱۵۴)

به عقیده بعضی اصلاً ایرانی است. وی
در میان قاریان هفتگانه از نظر تخصص
مانند ندارد. چرا که در مکه و مدینه و کوفه
و بصره از افراد زیادی قرائت را فراگرفته

است. گفته شده که وی به اقسام قرائت‌ها و الفاظ عرب آشناتر و اطلاع او بر سخنان زیبا و کمیاب عرب و فصیح‌ترین اشعار آنان از همه بیشتر بود. وی معروف به «ابو عمرو» می‌باشد. راویان ابو عمرو عبارتند از:

الف) «ابو عمرو حفص ابن عُمَر بن عَبْد الْعَزِيز الدَّوْرِي النُّحْوِي» معروف به «الدَّوْرِي» است (متوفای ۲۴۶ هـ.ق)

ب) «ابو شعيب صالح ابن زياد بن

عبدالله ابن سوسی» معروف به «سوسی»
و متوفای ۲۶۱ ه.ق و ایرانی بوده است.

۵- حمزه کوفی

«حَمَزَةُ ابن حَبِيبِ ابن عَمَارَةَ ابن
اسمعیل زِیَات (روغن فروش) کوفی» و
معروف به «حمزه» می باشد. او به سال ۸۰
ه.ق متولد و در سال ۱۵۶ ه.ق وفات نموده
است. وی اهل کوفه بوده و در زمان
خویش مقام امامت و پیشوائی علم قرائت
را دارا بوده است. گفته شده که اصلاً ایرانی
و شیعه و از اصحاب امام صادق (ع) نیز

بوده است. راویان حمزه کوفی نیز عبارتند
از:

الف- «ابو محمد خَلْفِ بْنِ هِشَامِ الْبَزَارِ
البغدادی» (۲۲۹-۱۵۰ ه.ق) معروف به
«خلف» و خود نیز یکی از قراء دهگانه
می باشد.

ب- «ابو عیسی خَلَّادِ بْنِ خَالِدِ صُوفِي»
معروف به «خَلَّاد» (متوفای ۲۲۰ ه.ق)

۶- نافع مدنی

«نَافِعِ ابْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمَدَنِيِّ»

اصفهانی» معروف به «نافع» مدنی است و در سال ۷۰ ه.ق متولد و به سال ۱۶۹ ه.ق وفات نموده است. وی اصلاً اصفهانی می‌باشد و پیشوای مردم مدینه در علم قرائت بوده است. گفته شده که قرائت را از ۷۰ نفر از اهل مدینه فراگرفته است راویان او دو نفرند:

الف- «ابوموسی عیسی ابن مینا المَدَنی» (۲۲۰-۱۲۰ ه.ق) معروف به «قالون» به معنای نیکو می‌باشد چرا که قرآن و تجوید را نیکو می‌خواند و استادش

او را به این لقب ملقب ساخت. گویند که او صدایی مانند بوق را به علت ضعف شنوایی نمی شنید ولی صوت قرآن را اگر چه آهسته می خواندند نیکو می یافت.

ب- «ابوسعید عثمان ابن سعید

المِصْرِي» ملقب به «وَرَش» (۱۹۷-۱۱۰ ه.ق) ریاست تعلیم قرآن در مصر بر عهده او بوده است. گویند که در علم عربی و تجوید و قرائت همتا نداشت.

۷- کسائی کوفی

«ابوالحسن علی ابن حمزة ابن عبدالله
الاسدی» معروف به «کسائی» و در سال
۱۱۹ ه. ق متولد و به سال ۱۸۹ وفات یافته
است. در دوران خلافت هارون الرشید
ملعون می زیسته و معلم فرزندان او یعنی
امین و مأمون بوده است. کرسی قرائت
کوفه با او بوده است در فقه و عربی و
قرائت قرآن مسلط بود و داناترین فرد زمان
خود در علم نحو و لغات نادر^۱ و مشکل در

۱. کمیاب

قرآن کریم بوده گفته‌اند که ایرانی و شیعه بوده است. راویان قرائت وی دو نفرند که عبارتند از:

الف- «أَبُو الْحَارِثِ عَيْسَى ابْنُ وَرْدَانَ مدنی» (متوفای ۲۴۰ ه. ق) وی از بزرگترین شاگردان کسائی بوده است.

ب- «أَبُو عُمَرَ حَفْصُ ابْنِ عُمَرَ ابْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الدَّوْرِيِّ بَغْدَادِي» معروف به «الدَّوْرِي» که راوی ابو عمرو هم می‌باشد و احوال او ضمن احوال ابو عمرو بیان

گردید.

این بود احوال قراء سبعة که از نظر
خوانندگان عزیز گذشت.

لازم به ذکر است که بعضی از
دانشمندان علم قرائت سه قاری دیگر را به
همان کیفیتی که گذشت به این جمع اضافه
نموده‌اند و آنها را جمعاً قراء عشره (قاریان
دهگانه) نام نهاده‌اند که اسامی آنها عبارت
است از:

۱- **خلف ابن هشام** که راویان او اسحاق

ابن ابراهیم الْمَرْوَزِي و ادريس ابن
عبدالکریم حَدَّادِ البغدادی می باشند.

۲- یعقوب ابن اسحاق ابن عبدالله

البصری و راویان او محمد ابن متوکل
الْوَلُّوْیِ البَصْرِي مُلقب به رُوَيْس و رُوح
ابن عبدالؤمن الَهَذَلِي بَصْرِي می باشند.

۳- یزید ابن قَعْقَاعِ الْمَخْزُومِي المدني

که راویان او عیسی ابن وَرْدَانِ الْمَدَنِي و
سلیمان ابن مُسْلِمِ ابْنِ جَمَّازِ الزُّهْرِي مدنی
می باشند.

چند تذکر مهم

۱- هیچکدام از قراء سبعة و عشرة در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) وجود نداشته‌اند، فقط بنابر قولی ابن عامر در زمان حضرتش حدوداً دو سال داشته است. بنابراین هیچ یک از قاریان نامبرده قرائت خویش را به آن حضرت و یا حضرت امیر (ع) نیز نتوانسته‌اند عرضه نمایند.

۲- جالب است بدانیم که هر یک از قراء

مذکور دارای شغلی مانند بزازی، عطاری،
معلمی، قضاوت و امثالهم بودند و فراگیری
علم قرائت و حفظ قرآن کریم در کنار
شغل آنها بوده است.

۳- اینکه در حال حاضر در کشور ایران
و نیز در اکثر کشورهای اسلامی قرائت
عاصم معروف و مشهور بوده و رسم الخط
قرآن‌ها براساس قرائت او به نگارش در
آمده است، علتش ساده بودن این قرائت و
قابل فهم بودن آن برای همه و نیز توانایی
در عمل به آن برای عموم مردم می‌باشد و

شیعیان بخصوص در ایران اسلامی بخاطر اینکه قرائت عاصم با یک واسطه به امیرالمؤمنین (ع) می‌رسد، قرائت او را بر دیگران ترجیح می‌دهند.

۴- همانطور که در رساله تحریرالوسیله

حضرت امام خمینی (ره) مکتوب است، بنابر احتیاط واجب نباید از قرائتی که در قرآن کریم و در میان مسلمین رایج است تخلف نمود (منظور همان قرائت معروف حفص از عاصم است که هم اکنون رسم الخط قرآن‌ها بر اساس آن قرائت است)

اگر چه بعید نیست قرائت بر طبق یکی از قرائت‌های هفتگانه جایز باشد و نیز بنا بر احتیاط واجب در خواندن قرائت نماز نیز نباید از قرائت‌های هفتگانه تخلف نماید.

۵- قواعد کلی قرائت هر یک از قرّاء را «اصول القاری» می‌نامند و آنچه را که دو راوی در نسبت دادن آن به قاری متفق باشند «قرائت» می‌نامند. مثل اثبات بسمله بین دو سوره که قرائت ابن کثیر است؛ و آنچه هر راوی از امام خود نقل می‌کند «روایت» خوانده می‌شود؛ و آنچه

نقل کننده از راوی ذکر می کند «طریق»
گفته می شود؛ و اما کلماتی که قرائت هر
قاری در آن مختلف می باشد را علمای علم
قرائت اصطلاحاً «فَرْشُ الحروف» می نامند
که البته کلمه فَرْش در اینجا به معنای نشر
و بسط و کلمه حروف به معنای قرائت
قاری است که در نتیجه «فرش الحروف»
به معنای منتشر شدن قرائت هر قاری در
کلمات و سور قرآنی می باشد.

۶- هریک از قراء سبعة را

«امام القاری» گویند و چون راویان یک

قاری نیز با یکدیگر در نقل قرائت استاد
خود اختلافاتی دارند، فلذا برای نقل قرائت
یک امام القاری حتماً باید طریق او با نام
راوی ذکر گردد.

تمرین

اسامی قراء سبعة را ذکر نمایید.

نمونه‌ای از اختلاف قرائت قرآن کریم

در میان قراء سبعة

در این قسمت به بعضی از موارد اختلافی در بین قراء هفتگانه به نقل از کتاب ده قرائت از طریق شاطبیّه و الدُّرّة نوشته‌ی آقای ابراهیم پور فرزیب (مولایی) اشاره می‌شود. لازم به ذکر است کسانی که بخواهند جزئیات قرائات هفتگانه را دریابند می‌توانند به کتاب فوق‌الذکر مراجعه نمایند.

در مورد جمله «بسم الله الرحمن الرحيم» همه قراء سبعة در ابتدای سوره و یا قرائت قرآن کریم بسمله را خوانده‌اند، لکن در بین قرائت و برای وصل سوره‌ای به سوره‌ای دیگر، حال چه در اواسط سوره باشد یا انتهای آن، بعضی از قراء سبعة مانند ورش از نافع به سه صورت تلاوت کرده‌اند: یا بسمله را گفته‌اند یا سکت کرده و بدون بسمله سوره دیگر را شروع کرده‌اند و یا بدون بسمله، آخر سوره را به اول سوره بعدی متصل نموده‌اند.

در مورد میم جمعی مانند: «أَنْذَرْتَهُمْ

أَمْ - مِنْهُمْ أُمِّيُونَ - أَنْفُسَكُمْ إِذْ» قرائت

حفص از عاصم همان است که اکنون

خوانده می شود، لکن بعضی از قراء سبعة

مانند ورش از نافع، میم جمعی را اگر بعد

از آن همزه متحرک باشد، صله واوی داده

و خوانده اند. مانند: «أَنْذَرْتَهُمْوْ أَمْ -

مِنْهُمْوْ أُمِّيُونَ - أَنْفُسَكُمْوْ إِذْ».

در مورد همزه هایی که در مکان

فاء الفعل و مفرده ساکن باشند، عاصم آنها

را به همان صورت مفرده که هستند تلاوت

کرده است. مانند: «يُؤْمِنُونَ - فَاتُّوا -

يُؤْتُونَ - مُؤْمِنُونَ» لکن بعضی از قراء

سبعه مانند ورش از نافع و سوسی از

ابوعمر و آن همزه را در هر حال بدل به

حرف مدی از جنس حرکت ماقبل آن

می نمایند. مانند: «يُؤْمِنُونَ - فَاتُّوا -

يُؤْتُونَ - مُؤْمِنُونَ».

در مورد کلماتی که آخرین حرف آنها

ساکن است و اولین حرف کلمه بعدی آنها،

همزه می باشد، مانند: «مَنْ ءَامَنْ -

عَذَابٌ أَلِيمٌ - قَدْ أَفْلَحَ» و یا در یک کلمه

باشند مانند: «الْإِنْسَانُ - الْأَرْضَ -

الْأُولَى - الْآخِرَةَ»، حفص از عاصم

بهمین طریق که نوشته شده قرائت کرده

است، لکن بعضی از قراء سبعة مانند خلف

از حمزه کوفی، قبل از نطق به همزه با

سکت کوتاهی بدون تنفس قرائت کرده اند.

مانند: «مَنْ سَكَّتْ ءَامَنْ - عَذَابٌ سَكَّتْ

أَلِيمٌ - قَدْ سَكَّتْ أَفْلَحَ - أَلْ سَكَّتْ إِنْسَانُ

- اَلْ سَکْت اَرْضَ - اَلْ سَکْت اُولٰی - اَلْ

سَکْت اٰخِرَةَ» و همینطور در بقیه موارد

تجویدی اختلافات بین قراء سبعة به همین صورت می باشد که علاقمندان می توانند به کتابهای نوشته شده در این رابطه مخصوصاً کتاب فوق الذکر مراجعه نمایند، لکن در پایان جهت آشنایی دانشجویان با فرش الحروف، اختلاف قراء سبعة را در سوره غاشیه مورد بررسی قرار می دهیم:

تَصْلٰی: حفص از عاصم و بعضی دیگر

تُصَلِّي: ابو عمرو - شعبه - يعقوب

لَا تَسْمَعُ: حفص از عاصم و بعضی دیگر

لَا تُسْمَعُ: نافع

لَا يُسْمَعُ: ابن کثیر و ابو عمرو و رُوَيس

لِمْصِيطِر: حفص از عاصم و بعضی از قراء

لِمْسِيطِر: هشام و حمزه البته حمزه به

صورتی که صاد بوی ضاد بدهد نیز تلاوت کرده است.

إِيَابَهُمْ: حفص از عاصم و بعضی از قراء

إِيَّاهُمْ: ابو جعفر (با تشدید)

عَلَيْهِمْ: حفص از عاصم و غیره

عَلَيْهِمْ: حمزه و یعقوب

تمرین

یک نمونه از قرآن کریم نشان دهید که
قراء سبعة آنرا به قرائت‌های مختلف
خوانده‌اند.

تذکری مهم پیرامون رسم الخط و چاپ

قرآن‌ها

باید دانست تمامی قرآن‌هایی که به روایت حفص از عاصم نگاشته شده است از قواعدی که مخصوص روایت حفص است پیروی می‌کند و لیکن در کتابت بعضی لغات و علامات و نشانه‌های تجویدی کلمات، اختلافاتی دیده می‌شود. به طور مثال در قرآن‌های چاپ ایران تتوین مضمومه به شکل «(ة)» نمایش داده می‌شود ولی در قرآن‌های چاپ بیروت در جایی که

حرکت تتوین نزد کلمه بعد اظهار می‌شود،
همانند قرآن‌های ایرانی و در جایی که نزد
کلمه بعد ادغام می‌شود به شکل «^{وو}»
نوشته می‌شود و همچنین در همین قرآن‌ها،
اشباع‌ها ضمیر به صورت «^{بی}» و
«^{آهله}» نوشته می‌شود و همین طور در
قرآن‌های چاپ عربستان، پاکستان،
دمشق، مصر و دیگر کشورها، هر کدام
علائم مخصوص به خود دارند که البته
برای مردم همان کشورها در نظر گرفته
شده، بخاطر اینکه بتوانند آسان‌تر قرآن

کریم را تلاوت نمایند؛ و البته در بیشتر قرآن‌ها این‌گونه علامات اختصاری و نشانه‌های تجویدی اغلب در اول و یا آخر آنها توضیح داده شده که خواننده قبلاً باید آنها را مطالعه نماید تا به چگونگی کاربرد آنها در قرآن کریم آشنایی لازم را بدست آورد.

به هر حال تذکر این مطلب ضروری است که آشنایی با شیوه‌های مختلف کتابت در قرآن‌های چاپ شده در کشورهای مختلف، فقط از طریق مطالعه

راهنمای رموز آنها که در پایان اکثر قرآن‌ها
نگاشته شده ممکن است. اگر چه مرور
زمان و کسب تجربه در این زمینه می‌تواند
تا حدود زیادی قاری قرآن را به شیوه‌های
مختلف نگارش در قرآن‌ها آشنا نماید.

مطلب دیگری که لازم به ذکر است
طریقه نگارش در قرآن‌های چاپ عربستان
موسوم به «کتابت عثمان طه» می‌باشد، هر
چند که این مورد نیز از قاعده بالا مستثنی
نیست، لکن چون متأسفانه اینگونه شایع
شده است که کتابت عثمان طه، کتابتی

صحیح و بی اشکال می باشد، فلذا باید گفت اولاً این نوع رسم الخط نیز مانند رسم الخط های دیگر در جزئیات، بیشتر تابع سلیقه شخصی است تا اینکه از یک دستورالعمل ادبی پیروی نماید. ثانیاً اشکالات متعددی در کتابت های عثمان طه مشاهده شده که نتیجتاً دست اندرکاران چاپ قرآن کریم را مجدداً مجبور به چاپ قرآن هایی به شیوه نگارش قدیمی یعنی به نحوی که فارسی زبانان به راحتی بتوانند آن را بخوانند نموده است.

به هر حال بهتر است تا زمانی که
مسلمانان یک شیوه نگارش را متحداً و
متفقاً اختیار ننموده‌اند، هر کشوری به
همان صورتی که رسم الخط آنها ایجاب
می‌نماید کتابت را مبتنی بر آن قرار داده و
تلاوت نمایند.

بخش سوم

زندگی نامه مشهورترین قاریان

جهان و تحلیل قرائت آنها

استاد عبدالباسط محمد عبدالصمد

استاد عبدالباسط محمد عبدالصمد

یکی از برجسته‌ترین قاریان عصر حاضر

بودند. وی سبکی جدید ابداع کرده بود که دارای لحنی زیبا و مخصوص به خود می‌باشد. لحن استاد، مورد پسند عالم و عامی است. صدای رسا و تحریرات زیبای او در قرائت قرآن، جاذب قلوب است.

او آنچنان تلاوت می‌کند که هیچگاه انسان از تکرار و شنیدن صوت او خسته نمی‌شود. اگر کسی یکی از تلاوتهایش را مکرر شنیده باشد، باز هم که بشنود اشتیاقش در شنیدن آن بیشتر شعله‌ور می‌گردد و بیش از پیش بدان متوجه

می‌شود. این ویژگی‌ها باعث می‌شود که نشاطی در شنونده ایجاد شود. لحن جاذب، تجوید خوب، آهنگ زیبا، رسایی صدا، نفسی طویل و کافی در پیوستن آیات به یکدیگر، تحریرهای بجا و دقیقی که در برخی موارد بکار می‌برد، از نظر صوتی خصایصی است که استاد را برجسته کرده و محبوب ساخته است.

عبدالباسط در سال ۱۹۲۷ میلادی مصادف ۱۳۴۵ هـ.ق تقریباً مطابق با ۱۳۰۶ هـ.ش در منطقه سعید یا سعید از

روستای ارمنت شهری از توابع استان قنا
در جنوب مصر که فاصله‌ی آن با قاهره
تقریباً ۷۰۰ کیلومتر است دنیا آمد.

خاندان عبدالباسط از قاریان بنام قرآن
کریم بودند و ابوالعینین شعیشع دایی او
می‌باشد. او در دامن پدر و مادری مسلمان
پرورش یافت. پدرش لوکوموتیورانی بود که
علاقه مذهبی داشت و به همین خاطر
پسرش را از ابتدای کودکی به فراگیری
قرآن تشویق کرد.

در سن ده سالگی قرآن را حفظ نمود و

سپس توسط پدرش به طنطا که ناحیه‌ای
مشهور در علوم قرائت و تعلیم علوم قرآنی
بود رفت.

آرام آرام قرائت سبعة را نزد اساتید آنجا
فراگرفت، سپس پدرش او را به استادی
نام‌آور بنام شیخ محمد سلیم حماده سپرد و
این استاد گرانقدر عبدالباسط را که از
استعدادهای نهفته سرشار بود به شاگردی
پذیرفت و عبدالباسط در محضر او به تعلیم
قراءات قرآن پرداخت. او عبدالباسط را
همچون فرزند خود به جلسات شبانه قرآن

کریم می‌برد و همین امر سبب شهرت
بیشتر و آشنایی او با جلسات قرآن می‌شد.

عبدالباسط در ۱۲ سالگی قرائات سبعة
را فراگرفت و در همین سن در سال ۱۹۴۴
میلادی برای اولین بار در مسابقه حفظ
قرآن کریم شرکت نمود و برنده گردید.

او در ۱۴ سالگی قرائات عشره یعنی
همه قرائت‌های دهگانه را فرا گرفت. استاد
عبدالباسط در نوجوانی تحت تأثیر صوت
زیبای یکی از استادان بنام قرائت قرآن قرار
می‌گیرد و به تقلید و استفاده مستقیم از

سبک وی می‌پردازد. این استاد گرانقدر
علم قرائت، استاد محمد رفعت بود.

در سال ۱۹۵۱ میلادی ۱۹ ساله بود که
برای اولین بار برای شرکت در یکی از
جشن‌های مذهبی به قاهره رفت. گروهی
عبدالباسط جوان را می‌شناختند و از
تلاوت ماهرانه او با خبر بودند و لذا با
اصرار از استاد خواستند که در آن مجلس
قرآن قرائت کند. خود عبدالباسط در این
زمینه می‌گوید: من رفتم ده دقیقه قرآن
بخوانم اما یک ساعت و نیم طول کشید

توفیقی از جانب خداوند بود و مسجد پر
شد از جمعیت. از من مرتباً می‌خواستند که
باز هم بیشتر بخوانم و من همچنان تلاوت
می‌کردم. روز بعد هم از من خواستند
بخوانم و من هم حاضر شدم.

این مرحله را می‌توان مرحله تکوین
شخصیت عبدالباسط محمد عبدالصمد
نامید و در همین زمان است که از
عبدالباسط خواسته می‌شود برای تلاوت
قرآن، به رادیو برود و او نیز هر ماه یکبار در
رادیو به تلاوت می‌پردازد.

استاد به قاریان جوان پیشنهاد می‌کند
که صدای خود را ضبط کرده و به تلاوت
خود گوش دهند و از خود انتقاد کنند و
نکات قوت و ضعف خود را یادداشت
نمایند. استاد یادآوری می‌کند که قاریان
جوان نباید به صوت زیبای خود مغرور
شده و از تمرین کردن غافل شوند. او
می‌گوید: توکل به خدا و خشوع و خضوع
در مقابل پروردگار باعث می‌شود صدای
قاری بر روح و جان شنونده بنشیند و
قاری هر چقدر بتواند باید آیات را با معنا

تلاوت نماید.

او می گوید: یک قاری باید هر روز یا هر شب قرآن را تلاوت نماید و در واقع با قرآن انس داشته باشد. استاد هر روز یک ساعت و نیم قرآن می خواندند و بهترین زمان تلاوت را سپیده دم می دانستند. استاد تقلید در قرائت را تأیید کرده و می گوید: من روش خاصی در قرائت قرآن داشتم. روش خودم را از کسی هم کسب نکردم بلکه طریقی خاص را برای خود برگزیدم لکن می بینم که جوانان زیادی در کشورهای

مختلف از من تقلید می‌کنند، البته این خوب است ولی قاری برای همیشه نباید مقلّد باشد بلکه باید سعی کند تا شیوه‌ای برای خود انتخاب نماید.

در سال ۱۹۵۲ برای اولین بار به حج می‌رود و تلاوت قرآن او در جده بر روی نوار ضبط می‌شود.

استاد عبدالباسط در سن ۱۹ سالگی ازدواج کرده و چهار فرزند به نام‌های جمال، محمد، طارق و خالد ثمره این ازدواج است که در میان فرزندان

عبدالباسط پسرش طارق که افسر پلیس
است به عنوان خلیفه و جانشین پدر
شناخته می‌شود و هم اکنون نوارهای ترتیل
او نیز در مصر ضبط و تکثیر شده است.

استاد عبدالباسط از سفری که به حج و
شهر مدینه داشته است می‌گوید: یکبار در
روضه شریف نبوی سوره مزمل را تلاوت
می‌کردم و حالت عجیبی داشتم گویا در
بهشت قرآن می‌خواندم. به یاد حدیث
پیامبر (ص) بودم که فرمود: بین محراب و
منبر من بوستانی از باغ‌های بهشت است؛

اصلاً احساس خستگی نکردم. در آن
موقع، ملک محمد پنجم پادشاه مغرب بود
و من در آن سفر همراه او بودم بعد از پایان
قرائت قرآن، احمد نبّانی که از مقامات بلند
پایه دربار مغرب بود آمد و گفت: پادشاه از
شما می‌خواهد که به مغرب بیایید و در آنجا
اقامت دائمی داشته باشید و هر چه
بخواهید برایتان فراهم می‌کنند که من
نپذیرفتم.

استاد تشویق در قرائت را تأیید می‌کند
لکن توضیح می‌دهد که باید مشوّق، طریقه

تشویق کردن و چگونگی آن را بداند در غیر
این صورت تلاوت قاری را مختل می‌کند.

عبدالباسط در مورد دستگاه‌های

موسیقی می‌گوید:

«البته هر که بخواهد می‌تواند موسیقی

را فرا بگیرد و بیاموزد، ولی قرآن دارای

احکام و حدودی است، لذا شخص نباید

از احکام قرآن خارج شود. مثل: غنه،

اخفا، اقلاب، ادغام و مدها که هریک

اندازه‌ای دارد و اگر شخص از حد آنها

خارج شود، دارای اشکال است و إلاّ که
مانعی ندارد.»

استاد به کشورهای گوناگون مسافرت
نموده است که بعضی از آنها عبارتند از:
امریکا (۱۴ ایالت) بعضی کشورهای
اروپایی جنوب افریقا، کلیه کشورهای
عربی، مسجدالاقصی، پاکستان، هند،
سنگال، اوگاندا، مالزی و در این کشورها
عده زیادی به واسطه تلاوت‌های او بدین
اسلام مشرف شدند.

استاد در سال ۱۳۳۰ هـ. ش بنا به

دعوت شیعیان عراق به همراه شیخ
ابوالعینین شعیشع و شیخ عبدالفتاح
شعشاعی در صحن مطهر کاظمین در طی
سه روز متوالی تلاوت قرآن نموده است. در
این هنگام سه صحن مطهر که به نام‌های
قریش، باب القبله و برکه مشهور است،
برای استماع تلاوت مملو از جمعیت
وصف ناپذیر بود. در اینجا استاد
عبدالباسط پشت میز قرائت قرار می‌گیرد
دست‌ها را به هنگام تلاوت بالا برده و
چنان قرائت می‌نماید که جمعیت از شور و

هیجان از جا برخاسته، تکبیر می‌گفتند از جمله تلاوت‌هایی که مرحوم شیخ در صحن مطهر کاظمین تلاوت کرده‌اند، آیاتی از سوره حشر، تکویر، فجر می‌باشد که با لحنی دلنشین و قرائتی بسیار استادانه تلاوت شده است.

استاد عبدالباسط مایل بود به کشور ایران مسافرت کرده و تلاوت قرآن نماید. اما دولت مصر به او اجازه نداد و تا پایان عمر نیز نتوانست به ایران مسافرت نماید. او همواره می‌گفت: تمام موفقیتی که نصیب

من شده به حرمت آیه آیه‌های قرآن مجید
است که صدای مرا در نظر مردم دلنشین
کرده و در اصل این نفوذ کلام الهی است که
باعث روی آوردن مردم غیر مسلمان به
سوی اسلام شده است.

شیخ عبدالباسط مدال‌ها و نشان‌های
بسیاری دریافت نموده که از جمله آنها
نشان شایستگی و کمال از کشور سوریه
نشان ارز، از لبنان و نشان شایستگی
عقیدتی از مراکش و همچنین نشان‌هایی از
اندونزی و مالزی. استاد پس از شیخ خلیل

الحصری لقب شیخ القرّایی مصر را به خود
اختصاص داد. و مردم به او لقب قاری
حنجره طلایی دادند. عبدالباسط به حق
برجسته‌ترین قاری قرآن مصر پس از شیخ
رفعت قاری معروف مصر به شمار می‌رود.
این نابغه قرن سرانجام در سن ۶۱ سالگی
در تاریخ ۱۹ ربیع الثانی ۱۴۰۹ مطابق
۱۳۶۷ / ۹ / ۹ در پی یک بیماری بدرو
حیات گفت. روحش شاد و راهش پر رهرو
باد.

تحلیل قرائت استاد عبدالباسط محمد

عبدالصمد

اگر خواسته باشیم در علم قرائت بنابر اولویت قراء را دسته بندی کنیم باید در دسته اول مثلی را در نظر بگیریم که یک ضلع آن را استاد مصطفی اسماعیل و ضلع دیگر را استاد محمد صدیق منشاوی و رأس آن را استاد عبدالباسط تشکیل داده است.

مرحوم عبدالباسط در تمام زمینه‌های

صوت، نفس، لحن، قدرت، تکنیک و تاکتیک در علم قرائت موفق بوده است بلکه در بعضی زمینه‌ها مانند صوت بالا همراه با شفافیت صدا، قدرت و نفس، واقعاً منحصر بفرد بوده است و هنوز در زمینه‌های فوق رقیبی برای وی پیدا نشده است.

همانطور که ذکر شد از ویژگی‌های قرائت وی، نفسی طویل است که او را از میان دیگر قاریان ممتاز می‌کند. صوت به همراه شفافیت صدا که در اکثر قرائت‌های

وی به گوش می خورد یکی دیگر از
مختصات تلاوت اوست. بطور مثال در
میان قاریان دیگر اگر با صدای بالا تلاوتی
را منظور کنیم در مقایسه با قرائت
عبدالباسط خواهیم دید که انتهای صوت
اگر چه دارای قدرت خوبی است ولی از
شفافیت صوت برخوردار نیست و همین
صوت بالا همراه با شفافیت صدا در قرائت
استاد، تقلید کنندگان از او در سبک را با
مشکلات زیادی مواجه ساخته است.

از دیگر خصوصیات تلاوت وی آن است

که اکثراً به صوت‌های بالا، متوسط و کمتر
با صوت پایین کار می‌کند و در واقع در
صوت‌های بالا و صوت برتر (اعلی)
موفق‌تر از صوت‌های پایین است.

گرمی و پختگی صوت، همراه با زنگ و
لحن مخصوصی که در صدا موجود است
هر شنونده‌ای را مجذوب قرائت او می‌کند.
همچنین کیفیت خواندن آیات، یعنی اینکه
هر آیه‌ای را به چه سبکی بخواند تا منطبق
با معنا باشد باعث شده است که همگان
قرائت او را تحسین نمایند.

استاد در علم قرائت صاحب سبک و شیوه خاصی بوده و در این زمینه دیگر قاریان از وی تقلید سبک می‌نمایند. از مزایای دیگر قرائت استاد تفکیک کلمات است از یکدیگر به گونه‌ای که مردم عوام هم متوجه می‌شوند و نیز استحکام تلفظی حروف و متین خواندن آیات از دیگر مزایای قرائت اوست.

از بین سوره‌هایی که استاد آنها را منطبق با معنا تلاوت نموده است برای نمونه می‌توان سوره‌های مدثر، تکویر، یوسف،

کَهِف، حَج و ۴ آیه آخر سوره فجر را نام
برد.

استاد مصطفی اسماعیل

به راستی که تلاوت شیوا و ممتاز قاری
برجسته‌ای چون مرحوم استاد مصطفی
اسماعیل که توأم با دلپذیرترین نغمات
آسمانی و کلام روح بخش آیات الهی
می‌باشد جان را طراوت و آرامش
می‌بخشد.

قاریان مبرز و اهل فن بر این عقیده‌اند

که صوت محزون مرحوم استاد مصطفی
اسماعیل دارای صفا و پختگی و جذبه‌ای
روحانی است که به دل‌های مستمعین
می‌نشیند و از گیرایی خاصی برخوردار
است.

مرحوم مصطفی اسماعیل از مشاهیر و
نوابغ علم قرائات در جهان اسلام به شمار
می‌رود که کلام آسمانی را با الحان بسیار
لطیف و دلنشین و منطبق با مفاهیم آیات
الهی تلاوت نموده به طوری که تا اعماق
جان انسان رسوخ نموده و مستمع را به

اندیشیدن در آیات الهی قرآن و پند و عبرت
گرفتن از کلام پروردگار متعال ترغیب
می‌کند.

شیوه‌ای را که مرحوم مصطفی اسماعیل
در علم قرائات مبتکر آن بوده است،
شاهکاری برجسته است که در آن قاری
قرآن همزمان با تلاوت و بیان علم تجوید،
قادر است تا مفاهیم آیات الهی را به
مستمعین برساند و تجسم عینی مفاهیم
عمیق قرآنی را ایجاد نماید و این چنین
است که جوهر و بطن قرآن کریم در لحن

زیبای قاری گرانقدر و ارجمندی چون
مرحوم مصطفی اسماعیل می درخشد.

مرحوم استاد به کلیه قرائات سبعة و
راویان قرّاء تسلط و چیرگی خاصی داشت
و با قرائات گوناگون، قرآن کریم را تلاوت
می نمود، اما اکثراً به قرائت ورش مصری به
تلاوت آیات مبادرت می ورزید.

همچنین او به تمامی مقامات و الحان
قرآنی مهارت و استادی وافر داشت به
طوری که اهل فن او را یگانه مُقری قرآن
می دانند.

مرحوم مصطفی اسماعیل در ناحیه
طنطا مصر دیده به جهان گشود و از همان
اوان کودکی تحت آموزش‌های اولیه استاد
سید البدوی قرائت قرآن را فرا گرفت و
سپس در مؤسسه الاحمدی طنطا در نزد
استاد ابراهیم سلام و به همراه مرحوم استاد
خلیل الحصری تحصیل علوم قرائات را
دنبال کرد.

وی برای اولین بار که موفق به مسافرت
به شهر قاهره شد با مرحوم استاد رفعت
ملاقات نمود و برای کسب اطمینان در

برابر مرحوم استاد رفعت به تلاوت قرآن
کریم پرداخت که در پایان این دیدار، مرحوم
استاد رفعت از صدای او و تلاوت زیبا و
دلنشین او استقبال نمود و آینده‌ای
درخشان را به او نوید داد.

مرحوم استاد خلیل الحصری درباره
صوت استاد مصطفی اسماعیل می‌گوید:
او از جمله قاریان ممتازی است که در بیان
الحن قرآنی تسلط و استادی خاصی
داشت.

از نظر مصطفی یک قاری قرآن

بزرگترین و بهترین سفیر برای اسلام و کشور خود می‌باشد. وی در این راستا عنوان می‌کند که در سفری که به ترکیه داشته است استقبال بسیار زیادی از سوی مردم و مقامات کشوری صورت گرفت، تا آنجا که نخست وزیر ترکیه خود شخصاً به استقبال و دیدار با وی آمدند و به همراه وزیر فرهنگ مدت نیم ساعت با او به گفتگو نشستند. پس از آن، قرآنی را که حروف آن با آب طلا نوشته شده بود، به او هدیه کردند.

و نیز طی مسافرت‌هایی که به لبنان داشت به مدت ۳ سال در ایام ماه مبارک رمضان به تلاوت قرآن در این کشور پرداخت در اینجا نیز به او نشان درجه یک این کشور را اعطا کردند.

شیخ مصطفی اسماعیل به کشورهای بسیار زیادی در اقصی نقاط جهان مسافرت کرده است؛ از جمله مسجد جامع اموی، مسجد جامع کبیر در لبنان، مسجد امام حسین (ع) در عراق، مسجد الاقصی، مسجد الحرام و مسجد جامع کبیر در

پاریس.

آری استاد مصطفی اسماعیل، از اساتید
برجسته است که چون تلاوت می‌کند هر جا
شنونده‌ای باشد بی‌اختیار به تحسین و
تشویق او لب می‌گشاید. آنگاه که لفظ
«ماء» را قرائت می‌کند، چنان می‌خواند
که مستمع آب را در مقابل دیدگان مجسم
می‌کند؛ این حالت در تمامی کلمات و
آیات مشهود است.

این استاد بزرگ علم قرائت قرآن علاوه
بر تلاوت‌های مجلسی، تمامی قرآن کریم

را نیز به شیوه تحقیق و ترتیل قرائت کرده
است.

سرانجام شیخ مصطفی اسماعیل پس از
عمری پربار، در حالی که شیفتگان
بیشماری از تلاوت‌های دلنشین خویش بر
جای گذارده بود، در سال ۱۹۷۸ میلادی
مصادف با ۱۳۵۸ ه.ش در شهر قاهره به
سوی معبود شتافت و بدین سان جهان
اسلام در غم از دست دادن نابغه‌ای - که
سراسر جهان به عظمتش معترف بود -
سوگوار گردید. فردی که با صوت و لحن

دلنشینش توانست بسیاری را بسوی دین
مبین اسلام رهنمون سازد. همان گونه که
خود بارها گفته بود: یک قاری قرآن
بزرگترین سفیر قرآن عزیز است.

تحلیل قرائت استاد مصطفی اسماعیل

استاد در قرائت‌های خود آن چنان دقتی
در گرفتن نفس عمیق ندارد لکن با این
حال آیاتی را با صوت‌های بالا و با قدرت
زیاد آن چنان زیبا تلاوت می‌کند که انسان
را به حیرت و امی دارد. از نظر صوت نیز
اکثراً موفق بوده است و این در حالی است

که قدرت کافی همراه با لحن و نفسی
طویل را به همراه داشته است لکن همان
طور که بعضاً مشاهده می شود در اصوات
بسیار بالا، صدای وی از شفافیت مطلوبی
برخوردار نیست ولی چون لحن شدیدی بر
صدا حاکم است آن نقیصه چندان ملاحظه
نمی گردد.

صدای استاد مصطفی اسماعیل از زنگ
آن چنانی برخوردار نیست لکن گرمی و
پختگی مخصوص که در صدا موجود است
کار را برای کسانی که سعی کرده اند تا از او

تقلید سبک نمایند بسیار مشکل ساخته
است و لذا در صوت‌های پایین، اکثراً
توانسته‌اند از او تقلید سبک نمایند (البته
منهای گرمی دلنشین صوت وی) ولیکن در
صوت‌های بالا مقلدین سبک با مشکلات
عمده‌ای مواجه می‌باشند.

از دیگر محاسن قرائت استاد، کنترل
تلفظی کلمات در صوت‌های بسیار پایین
می‌باشد مخصوصاً زمانی که بلافاصله از
صوت بالا برای زمانی کوتاه به صوت پایین
نزول کرده و مجدداً به صوت بالا باز

می‌گردد، که در چنین حالتی کلمات و حروف در نزد مستمع کاملاً آشکار نیست و لذا برای عموم مردم جذابیتی ندارد لکن برای افراد متخصص این فن لذت بخش است.

از دیگر مزایای قرائت استاد منطبق نمودن آیات است با معانی آنها، که او این کار را در اکثر جاها با هنرمندی تمام انجام داده است و در این زمینه می‌توان سوره‌های قمر، رحمن، حاقه، نازعات را به عنوان نمونه نام برد. از خصوصیات دیگر وی

تکنیک پیشرفته او در قرائت قرآن کریم و نیز تاکتیک‌های گوناگونی است که در اکثر مواقع از آنها استفاده کرده است که همگی منحصر به فرد و در واقع مخصوص خود وی بوده است و چون استاد صاحب سبک و شیوه‌ای خاص در قرائت می‌باشد لذا از قراء رده اول به شمار می‌رود که دیگر قاریان نیز بعضاً از او تقلید سبک می‌نمایند.

استاد محمد صدیق منشاوی

استاد محمد صدیق منشاوی، قاری

بزرگی است که در میان متأخرین بی نظیر و
در میان متقدمین، کم نظیر است و از
مفاخر قراء و مبتکر در الحان گوناگون
قرائت قرآنی به شمار می رود و سبک
حزین و صوت زیبا و لحن گرم، تلفظ
صحیح و بیان قوی کلمات از مختصات
قرائت مرحوم استاد منشاوی به شمار
می رود که با چیرگی و مهارت کامل و
تسلطی فوق العاده، شنونده را به آیات الهی
متوجه می سازد.

مرحوم استاد منشاوی به قرائت سبعة و

عشره و راویان قراء، تخصص سطح بالایی دارد و به همین جهت است که شهرتش به تمامی جهان اسلام رسیده و از اساتید مهم فن تلاوت قرآن کریم محسوب می شود.

مرحوم استاد منشاوی علاوه بر به جای گذاشتن مجموعه ای از قرائت تحقیق، هنر تلاوتش را در ترتیل نیز به ثبوت رسانده است و با تسلطی کامل و سبکی خاص کل قرآن کریم را به قرائت ترتیل تلاوت نموده است. هم اکنون گنجینه ای از نوارهای تحقیق و ترتیل این استاد در آرشیو

نوارخانه‌های معروف که در کار قرآنی
فعالیت دارند موجود می‌باشد.

استاد محمد صدیق منشاوی در سال
۱۲۹۹ هـ. ش در شهر منشاء مصر در
خانواده‌ای بسیار مذهبی پا به عرصه وجود
گذارد.

پدرش شیخ صدیق منشاوی یکی از
قاریانی بود که هرگز در مسیر تلاوتش اجر
و پاداش طلب نکرد، از این رو فرزندش
محمد را نیز با چنین علایقی پرورش داد تا
جایی که تلاوت را تنها به جهت اینکه

متعلق به این کتاب مقدس است برگزید.
شیخ صدیق منشاوی را فردی در کمال
خشوع و خضوع می خوانند. گویند او
چنان تقوا پیشه بود که هرگز در هیچ تلاوتی
بر اجر و پاداش آن سخنی نگفت تنها در
محل حاضر می شد، آنگاه با وقاری سرشار
از خشیت الهی باز می گشت و این شیوه ای
بود که در میان فرزندانیش نیز نیک مشهود
است.

محمد صدیق از آنجایی که در شهر
منشاة تولد یافت مانند پدرش به منشاوی

ملقب گردید با تشویق و تعلیم پدر به آموزش معارف قرآنی و تعلیم قرائت‌های مختلف پرداخت چرا که پدرش نیز از قاریان مشهور عصر خود به شمار می‌آمد.

استاد منشاوی از همان ابتدا به حفظ کامل قرآن پرداخته و از ۹ سالگی به بعد در ماه مبارک رمضان در جلساتی به نام شب‌های قرائت قرآن شرکت می‌کرد و این امر ادامه داشت تا اینکه مرحوم استاد به سن جوانی رسید و طنین صدایش رسا و پخته گشته و به صورت قاری صاحب

سبکی در شهر و دیارش مشهور شد و پس
از چندی با ورودش به رادیو جمهوری
عربی مصر و پخش تلاوتهایش به
شهرتش افزوده گشت و به صورت یکی از
اساتید قراء مشهور مصر درآمد.

استاد منشاوی به واسطه عمر کوتاهش
فقط به تعداد کمی از کشورهای جهان
مسافرت نموده که عبارتند از سوریه، کویت
و برخی از کشورهای شیخ نشین حاشیه
خلیج فارس که در آنجا تلاوتهای زیبایی
ارائه نموده است.

استاد منشاوی دارای برادری است به نام
شیخ محمود منشاوی که سبک قرائت او
نیز بسیار شبیه به سبک و شیوه قرائت
استاد است.

استاد منشاوی در اواخر عمر کوتاهش
بر اثر ابتلاء به بیماری سرطان حنجره
مجبور به عمل جراحی گلو گشت و شدت
بیماری چنان بود که پزشکان معالجش او
را از تلاوت قرآن منع نمودند لکن او
همچنان به تلاوت می پرداخت چرا که
احساس می کرد نمی تواند این کار را ترک

نماید.

آخر الامر، اَجَلُ استاد را مهلت نداد و
بیماری حنجره او را از پای در آورد و او که
سالیان سال به خدمت گذاری و آموزش و
قرائت قرآن کریم پرداخته بود سرانجام در
سن ۴۹ سالگی به سال ۱۳۴۸ هـ.ش در
شهر قاهره جان به جان آفرین تسلیم کرد.
روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

تحلیل قرائت استاد محمد صدیق

منشای

استاد از نفس طویلی برخوردار بود و
مهمتر اینکه در اصوات بالا همزمان با
قدرت و لحنی مطلوب دارای نفسی عمیق
و طویل می‌باشد. از دیگر مزایای قرائت
استاد، پختگی صدا و زنگ شدیدی است
که در صدای وی مشاهده می‌شود بلکه
زنگ صدا توأماً با لحن علتی برای صوت
حزین استاد گشته است چنانچه که عموماً
وی را بین قراء به حزین بودن صدایش

معروف گردانیده است.

مطلب دیگر در قرائت او این است که اصولاً بر سیستم باز قرائت می‌کند به نحوی که کلمات و حروف کاملاً مشخص می‌باشد بلکه در صوت‌های بالا این عمل یعنی واضح خوانی بهتر صورت می‌گیرد لکن در صوت‌های بسیار پایین به علت زنگ شدیدی که بر صدا حاکم است کلمات و حروف از نظر ظاهر شدن در تلفظ در موضعی ضعیف قرار دارند و همان طور که در زندگی نامه استاد اشاره شد

قدرت لحن و نفس و صوت خوب در قرائت وی به حد مطلوب بلکه عالی موجود است و علاوه بر اینها تکنیک پیشرفته او در زمینه قرائت و تاکتیک‌هایی که در مواقع مختلف برای بیان الحان و سبک‌های گوناگون بکار می‌برد زیبایی قرائت او را دو چندان کرده است.

قابل ذکر است که بدانیم استاد یکی از کسانی است که صاحب سبک در قرائت می‌باشد یعنی شیوه‌ای خاص در تلاوت قرآن کریم دارد که متأسفانه تعداد بسیار

اندکی و به مقدار ناچیزی توانسته‌اند تقلید
سبک از او بنمایند و این به جهت آن است
که این زنگ و لحن و پختگی صدا را
نمی‌توان از راه اکتسابی بدست آورد بلکه
همه اینها عنایتی است از جانب خداوند
متعال.

از دیگر مزایای قرائت استاد منطبق
نمودن آیات قرآن با معنای آن است که در
بسیاری از تلاوت‌های او مشاهده می‌شود
و این کار از هنرهای بسیار ارزنده و بزرگی
است که همه کس را یارای آن نمی‌باشد و

در این زمینه می‌توان سوره‌های انفطار،
فجر، مطففین، انشقاق و بروج را به عنوان
نمونه نام برد.

نگرشی بر قرائت‌های بعضی از قراء

بزرگ جهان

از آنجا که زندگی‌نامه قراء دیگر، جزوه
جداگانه‌ای را می‌طلبد. لذا به جهت
اختصار فقط به بیان تحلیل‌های کوتاهی

برای اتخاذ سبک از آنها می‌پردازیم.^۱

تحلیلی اجمالی بر قرائت استاد محمود

خلیل الحصری

قرائت آرام، استحکام در تلفظ حروف،
دقت در ادای مخارج و صفات حروف،
نفس مطلوب، پختگی نسبی در صدا و
غیره. معلم می‌تواند شاگردانی را که مایل
باشند آرام آرام با قرائت خو بگیرند و کم‌کم
به سبک‌های دلخواه خود دست پیدا کنند،

۱. علاقمندان به زندگی‌نامه قراء بزرگ جهان می‌توانند به کتابهایی که در این رابطه نوشته شده است مراجعه نمایند.

با نوارهای استاد خلیل الحصری آشنا
نماید.

از مزایای این قرائت فراگرفتن روش
تحقیق به طور کامل و چگونگی تلفظ
حروف در حین قرائت می‌باشد. فلذا
علاقمندان به فراگیری تجوید عملی باید
توجه بیشتری به نوارهای استاد داشته
باشند.

تحلیلی اجمالی بر قرائت مرحوم استاد

محمد محمود طبلاوی

نفس زیاد، صوت یکنواخت، لرزش بسیار لطیف در صدا، لحن بسیار اندک، قدرت متوسط، زنگ مخصوص در صدا به طوری که دیگر خصوصیات قرائتی را تحت الشعاع قرار می‌دهد و مستمع بیشتر از زنگ حاکم بر صدا متمتع می‌شود. به هر حال برای کلیه شاگردانی که علاقه ذاتی به سبک فوق داشته باشند با رهنمودهای معلم خود به راحتی می‌توانند سبک منظور

را انتخاب نمایند.

تحلیلی اجمالی بر قرائت استاد شحات

محمد انور

صوت‌های نسبتاً بالا، قدرت مطلوب،
نفس نسبتاً زیاد، اندکی لحن در صدا،
پختگی تقریبی در صدا و غیره.

معلم می‌تواند کسانی را که دارای
صوت‌های مطلوبی باشند و نیز کم و بیش
ویژگی‌های فوق را دارا باشند به سبک‌های
شحات انور معرفی کند. البته علاقه ذاتی

شاگرد یک پیش شرط مهم است.

تحلیلی اجمالی بر قرائت استاد غلوش

نزدیکی سبک استاد غلوش به مرحوم مصطفی اسماعیل از ویژگی‌های قرائت اوست. لحن نسبتاً خوب، نفس مطلوب و نیز صوت‌های متوسط و تا حدودی بالا باعث شده است کسانی که نمی‌توانند به طور مطلوب به سبک مصطفی اسماعیل تلاوت نمایند به استاد غلوش مراجعه کنند. آزادی وقف در آخر آیات از نظر صوتی و نداشتن لحن صددرصد از دیگر

خصوصیات قرائت استاد غلوش می باشد.

تحلیلی اجمالی بر قرائت استاد متولی

عبدالعال

تسلط بر صوت‌های نسبتاً بالا و نیز
پایین، استحکام در تلفظ حروف و کلمات،
فرازهای متنوع در صوت، صوت آزاد، نفس
مطلوب و غیره.

معلم می‌تواند کسانی را که دارای صوتی
آزاد و بدون گرفتگی باشند و نیز از قدرت
خوبی در قرائت قرآن برخوردار باشند به

سبک فوق راهنمایی نماید.

تحلیلی اجمالی بر قرائت استاد محمد

احمد بسیونی

صوت آزاد بدون لحن خاص، نفس خوب، نوسانات صوتی و غیره در قرائت مذکور باعث می شود شاگردانی که بدنبال سبک های ساده تری برای خواندن قرآن هستند به این سبک گرایش پیدا نمایند.

معلم می تواند با در نظر گرفتن علاقه ذاتی در شاگرد، رهنمودهای لازم را در این

ارتباط به او ارائه نماید.

توجه: مدرس محترم باید برای هر

تحلیل، نوار استاد مورد نظر را آماده و عملاً

تحلیل قرائت را منطبق با تئوری آن برای

دانشجویان بیان نماید.

برای تمرین مخارج، استماع سی دی -

های اساتید زیر پیشنهاد می شود:

۱. استاد سعید مسلم: سوره های

یوسف، حدید، مجادلہ، مزمل و تکویر.

لازم به تذکر است از استاد سعید مسلم

نوارهایی نیز با نام شیخ بدوی تکثیر و پخش شده که به علت عدم کیفیت در ضبط آن با اصول فنی قرائت مطابقت ندارد. فلذا استماع آن دسته از نوارهای مذکور به هیچ وجه برای تمرین دانشجویان مطلوب نیست. اضافه می شود قرائت استاد به غیر از تمرین مخارج و صفات حروف برای موارد دیگر تجویدی از جمله امالات، تفخیم ها و ترقیق ها و غیره نیز مفید و حائز اهمیت است.

۲. استاد عبدالباسط: مخصوصاً

سوره‌های مدثر، قیامت، حجرات، حجر، حج، بلد و قصار السور ایشان و نیز قرائت‌هایی که به صورت استودیویی از آن مرحوم موجود است.

۳. استاد محمود خلیل الحصری: کلیه

نوارهایی که آن مرحوم تلاوت کرده است برای موضوع فوق از اهمیت بسزایی برخوردار است.

۴. عبدالمنعم طوخی: کلیه نوارهای او

برای فراگیری و یا تصحیح مخارج مهم

است.

۵. استاد نقشبندی: کلیه قرائت‌های او

در زمینه تمرین مخارج حروف و درک
بهرت‌ر آنها و نیز استحکام تلفظی حروف و
کلمات بسیار سودمند است.

البته اساتید دیگری نیز هستند که چون
بنابر اختصار می‌باشد به همین مقدار اکتفا
می‌شود.

طبقه بندی سبک های بعضی از

اساتید مشهور به صورت تقریبی

هدف از ایراد بحث در این قسمت آن است که معلم بتواند دانشجویانی را که به یک سبک خاص علاقه دارند ولی به علت نداشتن بعضی از شرایط لازم در سبک مذکور نمی توانند آن سبک را پیروی نمایند به سبک های دیگری که با سبک مورد نظر در مواردی مشترک می باشند ارجاع دهد.

به طور مثال فردی به سبک مرحوم
مصطفی اسماعیل علاقمند است ولی
چون بعضی از شرایط لازم را به صورت
کامل دارا نیست، فلذا نمی تواند قرائت خود
را منطبق با استاد نماید در اینجا معلم باید
دانشجو را به استاد دیگری که او هم (هم
سبک با) مرحوم استاد باشد اگرچه به طور
ناقص، معرفی نماید. مانند مرحوم عَوْضِین
مغربی که تقریباً با مرحوم مصطفی
اسماعیل در یک راستا می باشند ولی
مرحوم عوضین از نفس کمتر و قرائت

کندتری برخوردار است و همچنین دارای
لحن آرامتری نیز می باشد و این بهانه خوبی
است برای کسانی که با توجه به نفس و
سرعت زیاد و لحن شدید مرحوم مصطفی
اسماعیل نمی توانند از او مشق قرائت
بگیرند فلذا می توانند با استماع نوارهای
مرحوم عوضین خود را به سبک مصطفی
اسماعیل نزدیک نمایند.

جدول زیر نشانگر سبک‌های طبقه

بندی شده به صورت تقریبی می‌باشد.

عبدالباسط	شعیشع (البته قرائت‌هایی که در جوانی از او ضبط شده است مانند سوره طه)
مصطفی اسماعیل	احمد نعینع، حصّان، عوضین، بدر حسین
محمد صدیق منشاوی	محمود صدیق منشاوی

سعيد مسلم	عبدالمنعم طوخی
علی البناء	طبلاوی
محمد رفعت	شامی دمنه‌وری، کامل یوسف البه‌طینی
شحات محمد انور	متولی عبدالعال، غلوش، بسیونی، صیاد، طنطاوی و محمداللیثی

توجه: لازم به ذکر است همان طور که

بیان شد کلیه افراد نامبرده در جدول دارای

یک نوع سبک خاصی می‌باشند ولی در

مجموع می‌توان گفت، سبک‌ها از جهاتی
با هم نزدیکند و این باعث می‌شود تا قرائت
ایشان را بتوانیم طبقه بندی نماییم و مسلماً
این امر بدان معنا نیست که حتماً قاریان
مذکور در جدول مانند یکدیگر تلاوت
می‌نمایند و از طرفی بعضی از آنها به هیچ
وجه مانند دیگران تلاوت نمی‌کنند فلذا در
جدول نیز نامشان ذکر نشده است مانند
مرحوم نقشبندی که دارای قرائت
فوق‌العاده و صوت محکمی هستند ولی از
نظر سبک به هیچ یک از قاریان نامبرده

شبیه نیستند.

بحثی پیرامون دستگاه‌های موسیقی و

نغمات قرآنی و ارتباط آن‌ها با قرائت قرآن

کریم

یکی از موضوعاتی که در بعضی از
جلسات قرآنی افکار قاریان قرآن را بعضاً
به خود مشغول کرده و یا می‌کند موضوع
ارتباط دستگاه‌های موسیقی با تلاوت قرآن
کریم می‌باشد و حتی کتاب‌هایی نیز در
سال‌های اخیر در این رابطه به نگارش

درآمده است و سؤالی که مطرح است این است که آیا به واقع فراگیری علم موسیقی و به اصطلاح دستگاه‌ها و مقامات آن تأثیری در قرائت یک قاری دارد یا خیر؟

به عقیده‌ی مؤلف پاسخ این سؤال منفی است به دلایلی که ذیلاً به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- اصل در قرائت یک قاری، داشتن

صوت شفاف و لحن مطلوب و قدرت بالا و نفس خوب همراه با فراگیری علم تجوید است و کسی که چنین خصوصیتی داشته

باشد به هر طریقی که بخواهد می‌تواند قرآن را تلاوت نماید. البته منظور از هر طریق، این است که متناسب با صدای خود و مقدار زنگ آن و دیگر داشته‌های خود به طریقی که مناسب اوست قرائت نماید و در این راه به تمرین و ممارست، و تقلید اولیه از بزرگان علم قرائت و معلم متخصص نیاز دارد که در چنین صورتی چه بسا ابداع کننده‌ی سبک جدیدی نیز باشد.

۲- کسانی که معتقدند فراگیری

دستگاه‌های موسیقی برای یک قاری لازم

بوده و تأثیر بسزایی در قرائت او دارد باید به این سؤال پاسخ دهند که چرا قاریانی که این علم را فرا گرفته‌اند نمی‌توانند به مانند یک قاری که ذاتاً استعداد قرائت داشته، تلاوت نمایند به عبارتی دیگر اگر بنا بود فراگرفتن موسیقی و دستگاه‌های آن تأثیر آنچنانی در تلاوت قرآن داشته باشد هم اکنون باید همه قاریان یا اکثریت آنان بتوانند لا اقل مانند یکی از قاریان برجسته مصری تلاوت نمایند لکن می‌بینیم این چنین نیست و اگر هم کسی قرآن را

خیلی خوب تلاوت کرده و دیگران را
مجذوب خود می‌نماید قطعاً از همان
مؤلفه‌هایی که ذکر شده برخوردار بوده است
نه این که حتماً دستگاه‌های موسیقی را
فراگرفته باشد.

۳- اگر امروزه در بین کشورهای
اسلامی می‌بینیم که کشور مصر در زمینه
پرورش قاری و معرفی آنان اولین رتبه را
داراست به خاطر این نیست که قاریان آنجا
با علم به دستگاه‌های موسیقی به تلاوت
می‌پردازند (یعنی اگر مقامات موسیقی را

بلد نبودند نمی‌توانستند این‌گونه بخوانند)
بلکه به این دلیل است که مصر ذاتاً
کشوری قاری‌خیز است و حتی کشور
عربستان که بخاطر دارا بودن حرمین
شرفین، خود را در زمینه مسائل قرآنی
مدّعی می‌داند، تاکنون نتوانسته قاری
برجسته‌ای مانند قراء مصری (در دهه‌های
گذشته) به جامعه اسلامی معرفی نماید.
مسئله قاری‌خیز بودن مصر بلاقیاس و
بلا تشبیه مانند فوتبال خیز بودن کشور
برزیل می‌باشد که ذاتاً دارای مردمی فوتبال

دوست بوده است و افراد بزرگی در این
زمینه به دنیای فوتبال ارائه کرده است.

پس نتیجه‌ای که گرفته می‌شود این
است که اگر قاری قرآن ذاتاً دارای صوتی
شفاف و موهبتی باشد خواهد توانست
قرائتی را عرضه نماید که هر مستمعی را
مجذوب خود نماید و اگر ذاتاً چنین
خصوصیتی را نداشته باشد هر مقدار که
علم موسیقی و حواشی آن را فراگیرد
نخواهد توانست آن قرائت جاذب را به
مستمع ارائه نماید. البته ناگفته نماند که به

هر حال فراگیری هر علمی متناسب با ظرفیت‌های وجودی انسان تأثیر عملی خود را خواهد گذاشت و در این مورد خاص به هر حال در حدود ۱۰ الی ۱۵ درصد ممکن است در برنامه‌ریزی قاری برای قرائت خود مؤثر باشد.

۴- مجموعه آیات و احادیث وارده مبنی بر چگونگی تلاوت قرآن کریم، و آداب آن دلالت بر این دارند که یک قاری باید قرآن کریم را به نحوی تلاوت نماید که اول خودش متأثر شود و سپس مستمعین را

منقلب نماید در حالی که توجه داشتن به مقامات موسیقی اگر چه به اسم نغمات قرآنی هم باشد، شخص قاری را از آن حالت‌های معنوی و روحانی دور می‌نماید و اصولاً قرآن کریم کتابی است آسمانی و گفتار خالق هستی است و نیز معجزه باقیه تا برپایی قیامت است، فلذا استفاده از دستگاه‌های موسیقی برای تلاوت آن اگر بی‌احترامی به آن نباشد نوعی کم‌لطفی در حق این کتاب بزرگ انسان‌سازی است.

۵- در حال حاضر کتاب‌های متعددی

درباره دستگاه‌های موسیقی و یا به اسم
نغمات قرآنی و... امثالهم به چاپ رسیده
که علاقمندان می‌توانند به آنها مراجعه
نمایند. لکن آمار نشان می‌دهد، آن عزیزانی
که تاکنون به این کتب مراجعه نموده‌اند و
یا دروس آن را تحت نظر معلم مربوطه
فراگرفته‌اند تغییری در نحوه قرائتشان
صورت نپذیرفته است. جالب‌تر این است
که از میان مریبان این فن (علم موسیقی و
دستگاه‌های آن) نیز تاکنون کسی به عنوان
قاری برجسته و ممتاز ظهور و بروز نکرده

است و اگر از خود آنها به عنوان مربی و استاد متخصص در این فن بخواهید که مثلاً تلاوتی مانند عبدالباسط یا منشاوی داشته باشد، می‌گوید صدای من خوب نیست و یا لحن مورد نظر را ندارم و یا من فقط تئوری آن را بلدم و عملاً نمی‌توانم آنها را پیاده نمایم.

پس نتیجه این است که اگر قاری واقعاً استعداد قرائت را به معنای واقعی و با تمام شرایط خود داشته باشد اصولاً نیازی به دانستن این مطالب ندارد و اگر اصلاً

استعداد قرائت را نداشته باشد، چه دانا به علم موسیقی باشد و چه نباشد فرقی به حال قرائت او نمی‌کند.

۶- در پایان این بحث یادآوری این نکته

لازم است که هر دانشجوی قرآنی باید برای زیبا خواندن قرآن کریم نهایت تلاش خود را بنماید و اگر نتوانست به هیچ صورتی قرآن را با صوت قرائت نماید، حتماً برای خواندن آن به صورت ترتیل کوشش لازم را بنماید چرا که اکثریت دانشجویان تجوید و قرآن کریم با اندکی تلاش و تمرین

می‌توانند به بهترین وجهی قرآن کریم را به سبک ترتیل تلاوت نمایند و در این زمینه دیگر احتیاجی هم به مسائل زائد که ذکر شد نمی‌باشد و همین مقدار که اصول قرائت^۱ را فراگرفته و بدان عمل نمایند می‌توانند حداقل یک تالی قرآن کریم و حتی صاحب سبک در این زمینه باشند و از هیچکس بهانه‌ای نیز در این مورد پذیرفته نیست.

از پروردگار مهربان عاجزانه می‌خواهیم

۱. درباره اصول قرائت در جزوه یک تجوید توضیح داده شد.

که به همه قاریان ما صوت حزین و جاذب
در قرائت و ترتیل عطا نموده و همگی ما را
از عمل کنندگان به آیات نورانی قرآن کریم
قرار دهد و در زمان حیات ما، گوش‌های
ما را هر چه زودتر به صدای قرائت و
تلاوت دلنشین و جذّاب حضرت
مهدی (عج) آشنا بفرماید.

آمّین یا رَبَّ الْعَالَمین